

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت راه و شهرسازی
شرکت عمران و بهسازی شهری ایران
(مادر تخصصی)

گزارش کارگاه آموزشی در شهر اهواز با محوریت

”نحوه برخورد با خرده فرسنگ های محلی به منظور اعتمادسازی و

جلب فعالیت های داوطلبانه“



مهندسین مشاور شهراندیش آمایش

اردیبهشت ۱۳۹۶

– تقدیر و تشکر از همکاران و دست اندرکاران نشست

در برگزاری این کارگاه ارگان‌های زیر به صورت‌های گوناگون مشارکت و همکاری داشته‌اند که بدین وسیله از یکایک آنها تشکر و قدردانی می‌شود.

شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران
دفتر مطالعات کاربردی و امور ترویجی



اداره عمران و بهسازی شهری
اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان



شرکت مهندسیین مشاور شهراندیش آمایش





فهرست مطالب

۱.....	مقدمه.....
۲.....	فصل اول: معرفی کارگاه آموزشی.....
۳.....	۱- معرفی کارگاه آموزشی " نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی به منظور اعتمادسازی و ... ".....
۳.....	۱-۱- مخاطبان (سازمان‌ها و ادارات شرکت کننده در کارگاه).....
۴.....	۲-۱- نحوه معرفی دوره آموزشی.....
۷.....	فصل دوم: کارگاه " نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی به منظور اعتمادسازی و ... ".....
۸.....	۲- کارگاه " نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی به منظور اعتمادسازی و ... ".....
۱۰.....	۱-۲- بررسی نمونه موردی جمعیت امام علی (ع).....
۱۱.....	۱-۲-۱- بخش‌های ساختار اجرایی و تصمیم گیری.....
۱۱.....	۲-۱-۲- حوزه‌های فعالیتی از نظر مکانی.....
۱۲.....	۲-۲- ابعاد فعالیت‌های سازمان‌های مردم نهاد.....
۱۲.....	۳-۲- حوزه‌های فعالیتی از نظر موضوع.....
۱۵.....	۲-۴- انواع دخیلان در بازآفرینی شهری پایدار.....
۱۶.....	۲-۵- لزوم مشارکت مردم در بازآفرینی شهری.....
۴۰.....	۲-۶- بررسی نمونه موردی خانه علم دروازه غار (معرفی خانه ایرانی).....
۴۰.....	۲-۶-۱- گروه آموزش.....
۴۰.....	۲-۶-۲- گروه برنامه‌ریزی درسی.....
۴۰.....	۲-۶-۳- گروه مهدکودک.....
۴۰.....	۲-۶-۴- گروه ثبت نام در مدرسه.....
۴۰.....	۲-۶-۵- گروه تحقیق و توسعه.....
۴۱.....	۲-۶-۶- گروه پزشکی.....
۴۱.....	۲-۶-۷- گروه روانشناسی.....
۴۲.....	۲-۶-۸- گروه ورزش.....
۴۲.....	۲-۶-۹- گروه هنر.....
۴۳.....	۲-۶-۱۰- گروه حقوقی.....
۴۳.....	۲-۶-۱۱- گروه منابع انسانی.....
۴۳.....	۲-۶-۱۲- گروه مستند سازی.....
۴۳.....	۲-۶-۱۳- گروه مددکاری.....
۴۳.....	۲-۶-۱۴- گروه مالی.....
۴۴.....	۲-۶-۱۵- گروه کتابخانه.....
۴۴.....	۲-۷- جمع بندی فعالیت‌های خانه علم.....
۴۵.....	۲-۸- ارزیابی فرم‌های نظرسنجی.....
۴۷.....	۲-۹- نظرات شرکت کنندگان در همایش.....
۴۸.....	۲-۱۰- تصاویر همایش.....





فهرست جداول

جدول شماره ۱-۲- بررسی نمونه موردی جمعیت امام علی (ع).....	۱۰
جدول شماره ۲-۲- دفاتر، خانه‌های ایرانی و نمایندگی‌های جمعیت امام علی (ع) در سراسر کشور.....	۱۱
جدول شماره ۳-۲- معرفی سند ملی.....	۱۳
جدول شماره ۴-۲- اهداف کلان سند ملی.....	۱۳
جدول شماره ۵-۲- مفهوم مشارکت.....	۲۰
جدول شماره ۶-۲- فعالیت‌های خانه علم (جمعیت امام علی (ع) (فاز اول).....	۲۶
جدول شماره ۷-۲- فعالیت‌های خانه علم (جمعیت امام علی (ع) (فاز دوم).....	۲۷
جدول شماره ۸-۲- حوزه تأثیرگذاری آئین‌ها در جمعیت امام علی (ع).....	۲۸
جدول شماره ۹-۲- دلایل بهره‌مندی از مشارکت جوامع محلی.....	۳۳
جدول شماره ۱۰-۲- نحوه برخورد و رابطه با کودکان.....	۳۵
جدول شماره ۱۱-۲- معنای معاصر از رویکرد بازآفرینی شهری.....	۳۵
جدول شماره ۱۲-۲- اهداف کلان بازآفرینی شهری پایدار.....	۳۵
جدول شماره ۱۳-۲- الزامات داوطلبانه مردمی.....	۳۹

فهرست نمودارها

نمودار شماره ۱-۲- ساختار سازمانی و نحوه فعالیت.....	۱۰
نمودار شماره ۲-۲- ابعاد فعالیت‌های سازمان‌های مردم نهاد.....	۱۲
نمودار شماره ۳-۲- حوزه‌های فعالیتی (از نظر موضوع) سازمان‌های مردم نهاد.....	۱۲
نمودار شماره ۴-۲- انواع دخیلان در بازآفرینی شهری پایدار.....	۱۵
نمودار شماره ۵-۲- مشارکت مردم در بازآفرینی شهری.....	۱۶
نمودار شماره ۶-۲- مشارکت جوامع محلی (اعتمادسازی، حضور و ...)	۳۷
نمودار شماره ۷-۲- چرخه فعالیت خانه علم.....	۴۰
نمودار شماره ۸-۲- ارزیابی فرم‌های نظرسنجی.....	۴۶





فهرست تصاویر

تصویر شماره ۱-۱- بزر و پوستر همایش.....	۴
تصویر شماره ۲-۱- دعوتنامه.....	۵
تصویر شماره ۳-۱- بروشور نشست.....	۶
تصویر شماره ۱-۲- حوزه‌های فعالیتی از نظر مکانی.....	۱۱
تصویر شماره ۲-۲- اجرای آیین‌ها و برنامه‌هایی چون عهدنامه، پیمان عاشقان، برنامه جشن یلدا در کوچه‌های فقر.....	۲۷
تصویر شماره ۳-۲- برنامه‌های اصلاحی نرم‌افزاری شامل جشن‌های شاد، مسابقات هنری، ورزشی و ...	۲۷
تصویر شماره ۴-۲- نحوه برخورد و رابطه با کودکان.....	۳۵
تصویر شماره ۵-۲- گروه آموزش، برنامه ریزی، مهدکودک و ...	۴۱
تصویر شماره ۶-۲- گروه پزشکی.....	۴۱
تصویر شماره ۷-۲- گروه روانشناسی.....	۴۱
تصویر شماره ۸-۲- گروه ورزش.....	۴۲
تصویر شماره ۹-۲- گروه هنر	۴۲
تصویر شماره ۱۰-۲- گروه حقوقی.....	۴۳
تصویر شماره ۱۱-۲- گروه کتابخانه.....	۴۴
تصویر شماره ۱۲-۲- تصاویر همایش (۱).....	۴۸
تصویر شماره ۱۳-۲- تصاویر همایش (۲).....	۴۹
تصویر شماره ۱۴-۲- تصاویر همایش (۳).....	۵۰
تصویر شماره ۱۵-۲- تصاویر همایش (۴).....	۵۱
تصویر شماره ۱۶-۲- تصاویر همایش (۵).....	۵۲
تصویر شماره ۱۷-۲- تصاویر همایش (۶).....	۵۳
تصویر شماره ۱۸-۲- تصاویر همایش (۷).....	۵۴





مقدمه

شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، شهرداری، اداره کل راه و شهرسازی و سازمان‌های نوسازی و بهسازی شهری از جمله مهمترین سازمان‌های فعال در سطح شهرها بوده که در کنار مراکز آموزش عالی به شکل مستقیم در تحقق اهداف نوسازی و بهسازی شهری ایفای نقش می‌نمایند. این در حالیست که تا کنون شرح وظایف قانونی، اختیارات و به ویژه مجموعه اقدامات انجام شده توسط هر یک از این دستگاه‌های مسئول به شکل مناسبی به گروه‌های هدف منتقل نگردیده و عموماً مشاهده می‌گردد که یک ناهماهنگی در اقدامات و بعضاً اهداف تعریف شده برای هر یک از این دستگاه‌ها وجود داشته که رسیدن به اهداف تدوین شده در چارچوب سند ملی بازآفرینی شهری پایدار را با مشکلات عدیده‌ای مواجه نموده است. فلذا نیاز به ارتقاء سطح آگاهی مدیران و کارشناسان سازمان‌های فوق‌الاشاره در چارچوب شرح وظایف سازمانی جهت تحقق اهداف سند ملی مورد نیاز بوده که در این راستا تلاش گردیده است تا با همکاری شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران و اداره عمران و بهسازی شهری خوزستان، ضمن برگزاری دوره‌های آموزشی مورد نیاز، نسبت به شناسائی و تبدیل پتانسیل‌های بالقوه به بالفعل اقدام نمود.

در این راستا این مهندسین مشاور مستند به توافقنامه فی‌مابین با اداره عمران و بهسازی شهری خوزستان و در امتداد برگزاری

دوره‌های آموزشی قبلی، موضوع برگزاری پنج دوره آموزشی شامل

- تاب‌آوری شهری در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری
- ارائه و تشریح نقش ظرفیت‌سازی در فرآیند بازآفرینی شهری
- نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی به منظور اعتمادسازی و جلب فعالیت‌های داوطلبانه
- ارائه و تشریح سند ملی بازآفرینی شهری
- ارائه تجربیات بهسازی و نوسازی استان

را در دستور کار داشته که مستندات مرتبط با دوره سوم با موضوع "نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی به منظور اعتمادسازی" مختصراً و به شرح پیوست ارائه گردیده است.



فصل اول:

معرفی کارگاه آموزشی



۱- معرفی کارگاه آموزشی " نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی به منظور اعتمادسازی و

جلب فعالیت‌های داوطلبانه "

سومین کارگاه از مرحله دوم دوره‌های آموزشی احیاء، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری استان خوزستان با عنوان " نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی به منظور اعتمادسازی و جلب فعالیت‌های داوطلبانه"، در تاریخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۵، و با همکاری واحد دفتر مطالعات کاربردی و امور ترویجی شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، اداره عمران و بهسازی شهری اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان و شرکت مهندسین مشاور شهرداری آمایش و با حضور مدیران، کارشناسان امور شهری و صاحب نظران استان خوزستان در سالن کنفرانس هتل بوستان سازمان آب و برق استان خوزستان در شهر اهواز برگزار گردید.

در ابتدای این جلسه آقای مهندس پیروانه به نمایندگی از طرف شرکت مهندسین مشاور شهرداری آمایش ضمن عرض خیر مقدم به شرکت کنندگان و تشکر از واحد دفتر مطالعات کاربردی و امور ترویجی شرکت مادر و اداره عمران و بهسازی استان خوزستان که زمینه برگزاری این دوره‌های آموزشی را فراهم نموده‌اند، به تشریح اهداف مورد نظر از برگزاری این دوره‌ها پرداختند. سپس آقای مهندس پنبه دانه پور رئیس اداره عمران و بهسازی شهری خوزستان ضمن عرض خوشامدگویی به مدعوین با اشاره به ضرورت افزایش دانش کارشناسان دستگاه‌های مسئول از نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی در تحقق اهداف بازآفرینی شهری به ویژه در محدوده بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری، توجه بیش از پیش مدیران و کارشناسان شهری را در شناسایی و نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌ها در سطح شهرها (به صورت عام) و در سطح محدوده‌های نیازمند بازآفرینی شهری (به صورت خاص) را خواستار شدند.

در ادامه سرکار خانم مهندس محیا واحدی کمال مسئول خانه ایرانی دروازه غار و از فعالان جمعیت امداد دانشجویی- مردمی امام علی (ع) به تشریح موضوعاتی از قبیل جایگاه مشارکت در سند ملی و اهداف بازآفرینی شهری پایدار، مفهوم مشارکت و دخیلان در بازآفرینی شهری پایدار، لزوم مشارکت مردم در بازآفرینی شهری، مشارکت جوامع محلی و مشارکت داوطلبانه مردمی و بررسی نمونه موردی جمعیت امام علی (ع) و خانه علم دروازه غار پرداختند.

۱-۱ مخاطبان (سازمان‌ها و ادارات شرکت کننده در کارگاه)

سازمان‌ها و ادارات شرکت کننده در کارگاه شامل:

- ۱- اداره راه و شهرسازی شهرستان اهواز
- ۲- استانداری استان خوزستان
- ۳- معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اهواز
- ۴- سازمان بهسازی و نوسازی شهرداری اهواز
- ۵- شهرداری شهرستان دزفول
- ۶- اداره راه و شهرسازی شهرستان دزفول
- ۷- سازمان بهسازی و نوسازی شهرداری شهرستان دزفول
- ۸- شهرداری شهرستان شوشتر
- ۹- فرمانداری شهرستان شوشتر
- ۱۰- شهرداری شهرستان ایذه
- ۱۱- اداره راه و شهرسازی شهرستان باغملک
- ۱۲- اداره راه و شهرسازی شهرستان سوسنگرد
- ۱۳- شهرداری شهرستان آبادان
- ۱۴- اداره راه و شهرسازی شهرستان بهبهان
- ۱۵- اداره راه و شهرسازی شهرستان شوش
- ۱۶- اداره راه و شهرسازی شهرستان اندیمشک
- ۱۷- سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری



۲-۱- نحوه معرفی دوره آموزشی

نحوه اطلاع رسانی از طریق نصب بنر و پوستر (تصویر ۱-۱)، ارسال دعوتنامه (تصویر ۱-۲) و بروشور نشست (تصویر ۱-۳) صورت گرفت.

 <p>وزارت راه و شهرسازی شرکت مهندسی و معماری شهریاران تهران اداره مهندسی و معماری شهریاران تهران</p> <p>دوره های آموزشی احیاء، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی باقیهای فرسوده و ناکارآمد شهری</p> <p>دوره ششم: کارگاه نحوه برخورد با خرده فرهنگهای محلی به منظور اعتمادسازی</p> <p>مدربس: مهندس محیا واحدی کمال</p> <p>محل برگزاری: اهواز، گیت بوستان، هتل بوستان ساعت برگزاری: ۸:۰۰ الی ۱۴:۰۰ دوشنبه - ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۶</p>  <p>شهردان پیش آمایش مهندس مشاور شهرسازی، ساماندهی و توانمندسازی باقیهای فرسوده شهری و سکونتگاه های غیر رسمی</p>	 <p>وزارت راه و شهرسازی شرکت مهندسی و معماری شهریاران تهران اداره مهندسی و معماری شهریاران تهران</p> <p>دوره های آموزشی احیاء، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی باقیهای فرسوده و ناکارآمد شهری</p> <p>دوره ششم: کارگاه نحوه برخورد با خرده فرهنگهای محلی به منظور اعتمادسازی</p> <p>مدربس: مهندس محیا واحدی کمال</p> <p>محل برگزاری: اهواز، گیت بوستان، هتل بوستان ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۶ دوشنبه ساعت برگزاری: ۸:۰۰ الی ۱۴:۰۰ وبسایت: www.udrc.ir</p>  <p>مهندسین مشاور شهرداری آمایش شهرسازی، ساماندهی و توانمندسازی باقیهای فرسوده شهری و سکونتگاه های غیر رسمی</p>
--	--

تصویر شماره ۱-۱- بنر و پوستر همایش





بسمه تعالی

Shahr Andish Amayesh
CONSULTING

شهراندیش آمایش
مهندسين مشاور شهرسازي و معماري



تلفن: ۳۷۴۳۹

تاریخ: ۹۵/۱۰/۱۱

شماره: ۵/۳۹۵

پیوست: ندارد

- مدیر کل محترم دفتر فنی استانداری خوزستان
- فرمانداران محترم شهرستان‌های استان
- ریاست محترم شوراهای اسلامی شهرهای استان
- شهرداران محترم شهرهای استان
- مدیران محترم ادارات کل راه و شهرسازی شهرستان‌های استان
- مدیران عامل محترم سازمان‌های نوسازی و بهسازی شهرهای استان
- ریاست محترم سازمان نظام مهندسی استان خوزستان
- معاونت محترم میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان

با سلام

احتراماً بدینوسیله به استحضار میرساند که این مهندسین مشاور در نظر دارد به نمایندگی از طرف شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران و اداره عمران و بهسازی استان خوزستان نسبت به برگزاری کارگاه‌های آموزشی به شرح جدول ذیل اقدام نماید. لذا در صورت تمایل به شرکت در هر یک از کارگاه‌های مورد نظر خواهشمند است دستور فرمائید متناسب با مشخصات جامعه هدف نسبت به معرفی افراد واجد شرایط (با ذکر شماره تلفن همراه) اقدام مقتضی می‌نماید و مراتب را از طریق دورنگار شماره ۰۶۱-۳۳۳۸۷۸۷۳-۰۶۱ و یا آدرس الکترونیکی shahrandish.a.d@gmail.com حداکثر تا تاریخ ۹۵/۱۰/۳۰ به این مهندسین مشاور اعلام فرمایند. لازم بذکر است هزینه‌ی تشکیل کارگاه‌های فوق‌الذکر توسط "شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران و اداره عمران و بهسازی استان خوزستان" تامین اعتبار گردیده است. مکان و زمان برگزاری دوره‌های ذکر شده متعاقباً اعلام خواهد گردید.

ردیف	نام کارگاه	مدت دوره	مکان	جامعه هدف	زمان برگزاری
۱	تاب‌آوری شهری در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری	۶ ساعت	شهر اهواز	مدیران، معاونین یا کارشناسان ذی‌ربط ادارات مدعو، اعضای محترم شورای اسلامی شهر مدیران عامل و یا معاونین سازمان‌های نوسازی و بهسازی، اعضای محترم سازمان نظام مهندسی استان	پهمن و اسفند ماه ۱۳۹۵
۲	ارائه و تشریح سند ملی بازاریابی شهری	۶ ساعت			
۳	نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی به منظور اعتمادسازی	۶ ساعت			
۴	ارائه و تشریح نقش ظرفیت‌سازی در فرایند بازاریابی شهری	۶ ساعت			
۵	ارائه تجربیات بهسازی و نوسازی استان	۶ ساعت			

سید عباس آل محمد
مدیر عامل

اهواز، کیابارس، خیابان ۱۴ غربی، ساختمان برج، طبقه ۳، واحد ۱، تلفن: ۰۶۱-۳۳۳۸۷۸۷۳، فاکس: ۰۶۱-۳۳۳۸۷۸۷۳، کدپستی: ۶۱۵۵۸۶۷۵۵۱
پست الکترونیکی: shahrandish.a@gmail.com

تصویر شماره ۱-۲ - دعوتنامه







وزارت راه و شهرسازی
گروه تهران و شهرسازی
مؤسسه تحقیقاتی

دوره‌های آموزشی
احیاء، بهسازی، نوسازی و نوآرنگسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری

Revitalization, Rehabilitation and renovation of old, dilapidated and inefficient urban fabrics

دوره ششم:
کارگاه نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی
به منظور اعتمادسازی

مدرس:
خانم مهندسین محبا واحدی کمال

محل برگزاری:
آموزشگاه بوستان هفت بوستان
۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۶
ساعت برگزاری: ۸:۰۰ الی ۱۲:۰۰
وبسایت: www.irdc.ir

معرفی سازمان عمران و بهسازی شهری استان خوزستان

به منظور پیشبرد اهداف و راهبردهای شرکت عمران و بهسازی شهری ایران در سطح استانی منصوب گردیده است که ادارات بهسازی و نوسازی شهری در ساختار سازمانی ادارات کل راه و شهرسازی استانها تشکیل و مستقیماً زیر نظر مدیرکل اداره راه و شهرسازی فعالیت نمایند.

با شروع به کار اداره نوسازی و بهسازی شهری استان خوزستان روح جدیدی به کالبد اقدامات مرتبط با مقوله احیاء، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده شهری، در سطح استان دمیده شده که بویژه در پیشبرد اهداف شرکت مادر تخصصی در زمینه تهیه و تصویب طرح های مرزبوم، ایجاد هم افزایی با دستگاه‌های مرتبط، ارتقاء کیفیت محیط زندگی شهری، آموزش، ترویج و ارتقاء سطح آگاهی عمومی در موضوعات قانونی و اجرایی و تدبیر در مدیریت بخش خصوصی و مالکین و هدایت اقدامات لازم در چارچوب برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت رami توان از زوایا اقدامات انجام شده از زمان تاسیس اداره بهسازی و نوسازی شهری استان خوزستان برشمرد.

معرفی شرکت مهندسین مشاور شهرداری آمایش

شرکت مهندسین مشاور شهرداری آمایش به شماره ثبت ۳۷۲۳۴ در سال ۱۳۸۹ با کسب گواهینامه صلاحیت خدمات مشاوره در تخصص شهرسازی و ابزار تخصصی ساماندهی و توانمندسازی بافت های فرسوده و سکن نگاه‌های غیر رسمی شروع به فعالیت نموده است.

این شرکت با کسب گواهینامه صلاحیت موضوع ماده ۴ قانون حمایت از احیاء، بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده و ناکارآمد شهری از شرکت مادر تخصصی به شماره ۱۳۰۰۰۱۰۲ مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۰۱ و با بهره مندی از تجربیات بالای کادر فنی خود مبتنی بر عملکرد علمی، پژوهشی و تجربی، به عنوان تنها مشاور رسمی استان خوزستان در تخصص ساماندهی و توانمندسازی بافت های فرسوده و سکن نگاه های غیر رسمی و کارگزار شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران و اداره عمران و بهسازی شهری خوزستان فعالیت می نماید. در این راستا افتخار دارد ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای در تخصص های مرزبوم، امکان انتقال تجربیات موفق سایر شهرهای کشور را در زمینه نوسازی و بهسازی شهری در سطح استان خوزستان ایجاد و پیشران لازم را جهت تسهیل ارتباط بین دستگاه های ذی ربط با شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران فراهم آورد.


شهرداری آمایش
مهندسین مشاور
شهرسازی، ساماندهی و توانمندسازی
بافت‌های فرسوده شهری و سکن نگاه های غیر رسمی

تاریخچه شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران

هنه اولیه شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران در سال ۱۳۶۴ با تاسیس دفتر بهسازی بافت شهری در حوزه معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی سابق شکل گرفت. بعدها و به منظور پیش‌نگری، پیشگیری و درمان مسائل مورد اشاره و با رسالت تجدید حیات شهری و تیل به شهر پایدار و مشارکتی، سازمان عمران و بهسازی شهری ایران با استناد به مصوبه هیئت وزیران از خرداد ۱۳۷۶ فعالیت رسمی خود را در قالب یک شرکت وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی آغاز نمود. در تیرماه سال ۱۳۸۳ با استناد مصوبه هیئت وزیران و تأیید شورای نگهبان، اسامه شرکت به عنوان شرکت مادر تخصصی تغییر کرد. به منظور پیشبرد اهداف و راهبردهای شرکت مادر در استانها، ادارات کل راه و شهرسازی استانها (ادارات باز آفرینی شهری زیر نظر مستقیم مدیرکل منصوب گردیده و در شرح وظایف مدیران کل و رؤسای ادارات راه و شهرسازی شهرستانها، مأموریت‌های شرکت عمران و بهسازی شهری ایران لحاظ شده است.

حوزه فعالیت شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران

بر اساس اسامه سال ۱۳۸۳، هدف از تشکیل شرکت، تسهیل‌گذاری، راهبری و برنامه ریزی در زمینه احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های قدیمی، فرسوده و ناکارآمد شهری و همچنین مدیریت استفاده بهینه از امکانات مذکور در جهت توسعه درونی شهرها و ارتقای محیط زندگی شهری در چارچوب سیاست‌های وزارت مسکن و شهرسازی و شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و توسعه و ترویج فعالیت‌های فوق الذکر از طریق مشارکت شهرداریها، ساکنان و مالکان بافت‌های مورد اشاره و اشخاص حقیقی و حقوقی است.

با توجه به مسائل عمده موجود در محدوده‌های هدف و نیز بر اساس سند چشم انداز ۱۴۰۴ و در راستای سیاست‌های کلی نظام لایحه مقام معظم رهبری در بخش شهرسازی و معماری، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران به عنوان ستاد ملی و عامل هماهنگ و هدایت کننده جریان باز آفرینی پایدار شهری در کشور، چهار محور کلیدی زیر را به عنوان اهداف کلان در دستور کار قرار داد است:

- کاهش فقر شهری با رویکرد توانمندسازی ساکنان محدوده‌های هدف و پیشگیری از باز تولید فقر در این محدوده‌ها
- ارتقاء بافت آوری شهری و تجهیز و مقاوم سازی شهرها در مواجهه با سوانح
- ارتقای هویت، حس تعلق مکانی و حفاظت از ارزشها در محدوده‌ها و محله های هدف
- تحقق حکمروایی شهری در برنامه باز آفرینی شهری در راستای ارتقای انسجام اجتماعی ساکنان و مالکان محله ها و محدوده‌های هدف

۴. ارتقاء تاباوری شهری، تجهیز و مقاومسازی محدوده‌های هدف در مواجهه با سوانح و بلایا

تحقق حکمروایی شهری، ارتقای انسجام اجتماعی و کاهش فقر شهری از طریق برخورد صحیح با خرده فرهنگ‌های محلی که عموماً در محله‌های هدف باز آفرینی دیده می‌شود و جلب فعالیت‌های داوطلبانه در این محلات میسر می‌باشد.

ریشه‌یابی شکل‌گیری بافت‌های ناکارآمد شهری:

جامعه در حاشیه (خرده فرهنگ های حاشیه‌ای)

جامعه خارج از حاشیه (فرهنگ حاشیه ساز)

الزامات مشترک داوطلبانه مردمی:

- داوطلبان باید در درون محدوده هدف درگیر شوند و درک دقیقی از مسائل آن پیدا کنند.
- حضور فرد داوطلب صرفاً یکطرفه نیست، باید بده و بستان فیزیکی و معنایی وجود داشته باشد.
- انگیزه صرفاً خیریه‌ای یا جهت نیست.
- حضور باید آگاهانه باشد.
- حضور داوطلب باید با مسئولیت پذیری اجتماعی همراه باشد.
- در بافت‌های ناکارآمد توجه باید به فرصت این بافتها باشد و نه تهدید.

اهداف دوره آموزشی

آموزش به عنوان گامی مهم برای افزایش آگاهی و مهارت حرفه‌مندان، بهانه‌های مدیریت شهری و مردم و آشنایی آنان با اهداف و فعالیت‌های شرکت مادر تخصصی و معانی پایایی و بنیادی در محدوده‌ها و محلات هدف باز آفرینی شهری به شمار می‌رود. اهداف دوره‌های آموزشی برگزار شده عبارتست از:

- ارتقا و بهبود کیفیت علمی و مهارت‌ها در حوزه فعالیت‌های شرکت مادر تخصصی
- تقویت ارتباط با سازمان‌ها و بهانه‌های علمی و آموزشی
- تقویت ارتباط و بالا بردن سطح آگاهی ساکنان، شکل‌های مردمی و اجرایی و حرفه‌ای
- افزایش کارایی، اثر بخشی و بهره‌وری فرد و گروه در جهت باز آفرینی شهری پایدار
- متسلسل ساختن دانش و مهارت‌های نهادهای مدیریت شهری و کارشناسان با راهکارهای نوین در امر باز آفرینی شهری پایدار

نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی به منظور اعتمادسازی:

اهداف سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری هیات وزیران (مصوب مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۶)، در دو حوزه پیشگیری و درمان مسائل محدوده‌ها و محلات هدف عبارتند از:

- پیش‌گیری و پیش‌نگری از گسترش محدوده‌ها و محله‌های نابسامان شهری از جنبه‌های اقتصادی - اجتماعی، محیط‌زیستی و کالبدی
- ارتقای فرهنگ شهروندی، مشارکت و همکاری نهادهای محلی

بهبود و همبستگی اجتماعی ساکنان و ایجاد فرصت‌های درآمد برای آنان؛ با توجه به ظرفیت‌های توسعه‌ای محدوده‌ها و محله های هدف:

- حفاظت پایدار و احیاء میراث فرهنگی، تاریخی و هویت فرهنگی شهرها؛ و
- تحقق سبک زندگی پایدار در اقدامات احیاء، بهسازی و نوسازی شهری.

هماهنگی که مشخص است هدف دوم بطور مستقیم به ارتقای فرهنگ و مشارکت اشاره دارد که اساس اعتمادسازی و فعالیت‌های داوطلبانه است. همچنین یکی از راهکارهای موثر در پیش‌گیری و پیش‌نگری از گسترش محدوده‌ها و محله‌های نابسامان شهری (هدف اول) و بهبود و همبستگی اجتماعی ساکنان (هدف سوم)، اعتمادسازی گروه‌های دارای خرده فرهنگ‌های مختلف و جلب فعالیت‌های داوطلبانه در راستای همیاری در این بافت‌هاست.

از طرفی اهداف باز آفرینی شهری یاددار به ترتیب زسر می‌باشند:

۱. تحقق حکمروایی شهری در راستای احیاء و ارتقای انسجام اجتماعی ساکنان محله‌ها و محدوده‌های هدف در برنامه باز آفرینی شهری
۲. کاهش فقر شهری با رویکرد توانمندسازی ساکنان محدوده‌های هدف و پیش‌گیری از باز تولید فقر در این محدوده‌ها
۳. ارتقای هویت و منزلت مکانی و حفاظت از ارزش‌ها در محدوده‌ها و محله‌های هدف

تصویر شماره ۱-۳ - بروشور نشست





فصل دوم:

کارگاه " نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی به منظور اعتمادسازی و

جلب فعالیت‌های داوطلبانه "





۲- کارگاه " نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی به منظور اعتماد سازی و جلب فعالیت‌های داوطلبانه "

کارگاه " نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی به منظور اعتماد سازی و جلب فعالیت‌های داوطلبانه " پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و عرض خیرمقدم به مدعوین محترم با سخنرانی آقای مهندس پیروانه مدیر عامل شرکت مهندسیین مشاور شهراندیش آمایش و آقای مهندس پنبه‌دانه‌پور ریاست محترم اداره عمران و بهسازی شهری خوزستان آغاز شد.

خانم مهندس واحدی کمال: سلام عرض می‌کنم خدمت دوستان و خیلی خوشحال هستم که برای اولین بار به استان خوزستان و شهر اهواز آمده‌ام، ان‌شالله که امروز بتوانیم پیرو این موضوع بسیار بسیار مهم کار خوبی انجام دهیم، قطعاً هم من از شما مطالب خوبی یاد خواهم گرفت و البته امیدوارم که بتوانم تجربه‌ای را که سازمان مردم نهادی مثل جمعیت امام علی (ع) (که توانسته به این محلات ورود پیدا کند و کار کند و توانسته به یکسری دستاوردها و محصولات چه در شکل محتوایی و چه در صورت برسد) را با شما به اشتراک بگذارم و ان‌شالله که این تجربیات در موضوع و فیلدی که شما کار می‌کنید مثمر ثمر واقع شود. ابتدا ممنون می‌شوم دوستان خودشان را معرفی کنند و بفرمایند که در چه قسمتی فعالیت می‌کنند.

- آقای مهندس بابادی- کارشناسی ارشد پروژه طرح توانمندسازی کوی منبع‌آب و کارون اهواز

- خانم مهندس حمایتیان- کارشناس پروژه توانمندسازی کوی منبع‌آب

- خانم مهندس احمدی- کارشناس ارشد پروژه توانمندسازی کوی منبع‌آب

- خانم مهندس یادگاری- کارشناس ارشد بافت فرسوده شهرداری منطقه ۳ اهواز

- آقای مهندس صفایی- کارشناس شهرسازی اداره راه و شهرسازی شهرستان باغملک

- آقای مهندس شیخ- رئیس اداره راه و شهرسازی شهرستان باغملک

- آقای مهندس مهربانی- کارشناس اداره راه و شهرسازی شهرستان بهبهان

- آقای مهندس عبائی باقری- رئیس اداره راه و شهرسازی شهرستان بهبهان

- خانم مهندس معصومی- کارشناس ارشد معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اهواز

- آقای مهندس کلاه‌چی- کارشناس ارشد مهندسیین مشاور

- آقای مهندس ثابت قدم- کارشناس ارشد پروژه توانمندسازی کوی منبع‌آب

- خانم مهندس رشنوئی- کارشناس ارشد سازمان میراث فرهنگی خوزستان و مدیر پایگاه جهانی چغازنبیل

- آقای مهندس پنبه دانه پور- ریاست اداره عمران و بهسازی شهری استان خوزستان

- خانم مهندس یاری- کارشناس ارشد اداره عمران و بهسازی شهری استان خوزستان

- آقای مهندس کاظمی- کارشناس اداره عمران و بهسازی شهری استان خوزستان

- خانم مهندس جعفری- کارشناس ارشد معاونت شهرسازی و معماری اداره کل راه و شهرسازی

- آقای مهندس ترابی- کارشناس ارشد مهندسیین مشاور

- خانم مهندس کیانپور- کارشناس اداره عمران و بهسازی شهری استان خوزستان

- خانم مهندس گرچیان- اداره راه و شهرسازی

- خانم مهندس گهری- شهرداری آبادان

- خانم مهندس دهنوی- کارشناس شهرسازی





- آقای مهندس اعتدالی- کارشناس شهرسازی
- خانم مهندس گودرزی- کارشناسی شهرسازی
- آقای مهندس شهوازی- فرمانداری شوشتر
- آقای مهندس امیری- کارشناس شهرسازی
- آقای مهندس اسفندیاری- کارشناس ارشد شهرسازی
- خانم مهندس کرمی- کارشناس ارشد طراحی شهری
- آقای مهندس مسلم نورانی- کارشناس ارشد شهرداری باغملک
- آقای مهندس حمید نورانی- کارشناس ارشد شهرداری باغملک
- خانم مهندس مجتبائی- کارشناس شهرداری شوشتر
- آقای مهندس سپاس دار- کارشناس شهرداری شوشتر
- آقای مهندس محمودی- کارشناس شهرداری شوشتر
- آقای مهندس نجارزاده- مسئول بافت فرسوده شهرداری شوشتر
- آقای مهندس بدیعی فر- کارشناس سازمان نوسازی و بهسازی دزفول
- آقای مهندس حاتمی- کارشناس سازمان نوسازی و بهسازی دزفول
- آقای مهندس روشن نیا- کارشناس سازمان نوسازی و بهسازی دزفول
- آقای مهندس حسینی بروجنی- کارشناس میراث فرهنگی
- آقای مهندس راهداری- اداره راه و شهرسازی استان خوزستان
- خانم مهندس موسوی- کارشناس استانداری خوزستان
- صادق کهوازی- کارشناس اداره عمران و بهسازی شهری استان خوزستان
- آقای مهندس باؤدان- کارشناس دفتر فنی استانداری خوزستان

- خانم مهندس واحدی کمال: من هم رشته تخصصی ام معماری است، ولی به جای بافت بیشتر در زمینه موضوعات اجتماعی فعالیت دارم. در کار ما معماری ساختمانی تبدیل شده است به معماری انسانی و فکر می‌کنم این رشته خیلی مرتبط است با فرد یا افرادی که قرار است برای آنها طراحی صورت بگیرد، بطوریکه فضایی که تعریف می‌شود با آن ساختاری که قرار است آنجا اتفاق بیفتد هماهنگ باشد.

فکر می‌کنم همه دوستان به لحاظ تخصص‌هایشان یعنی معماری و شهرسازی استاد بنده هستند، یعنی من می‌بایست از شما دوستان بیاموزم، ولی موضوعی که هست اینست که می‌بایست هر چه بیشتر در مورد ارتباط با جامعه محلی و تأثیرگذاری و نقشی که هر کدام از ما می‌بایست در ساختار و یا سازمانی که فعالیت می‌کنیم ایفاء نمائیم چیست؟ به ویژه در بحث اعتماد- سازی و جذب جامعه محلی، جلب مشارکت جامعه محلی برای پیشبرد اهداف توسعه محلی من جمله توانمندسازی و ... از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. لذا فکر می‌کنم مقداری لازم است که در این رابطه بیشتر صحبت شود.

طبق سند ملی که توسط وزارت راه و شهرسازی، وزارت کشور، سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی تنظیم گردیده است دقیقاً به بحث مشارکت محلی و توانمندسازی جامعه محلی بسیار اشاره شده است. وزارت راه و شهرسازی و به‌ویژه شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران تفاهم نامه‌ای را با جمعیت امداد دانشجویی- مردمی امام علی (ع) تنظیم کرده که در این راستا جمعیت امام علی (ع) در زمینه آسیب‌های اجتماعی فعالیت کرده و در این روند ۱۸-۱۹ ساله به یکسری الگوها و





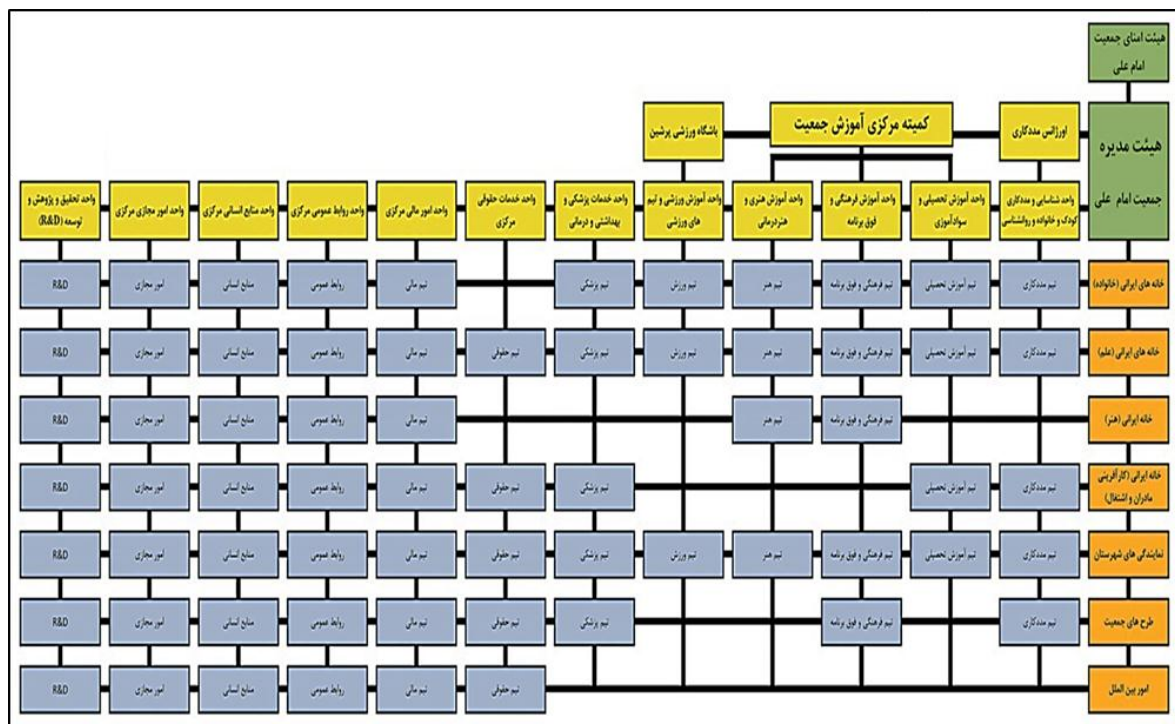
راهکارهایی در این زمینه رسیده که قرار شد الگوها و روش‌هایی که جمعیت امام علی (ع) تجربه کرده است در اختیار سازمان-هایی که بصورت عضو در این حیطه کار می‌کنند قرار گیرد.

۱-۲- بررسی نمونه موردی جمعیت امام علی (ع)

ساختار سازمانی و نحوه فعالیت جمعیت امام علی (ع) طبق (جدول شماره ۱-۲) و (نمودار شماره ۱-۲) عبارتست از:

بررسی نمونه موردی جمعیت امام علی (ع)	
✓	معرفی جمعیت
❖	سازمان مردم نهاد، مستقل، غیر دولتی و غیر سیاسی دانشجویی- مردمی (NGO)
❖	تأسیس در سال ۱۳۷۸ با هدف شناخت و کاهش معضلات اجتماعی و نیز امداد رسانی به نیازمندان به خصوص کودکان و زنان
❖	دارای مجوز فعالیت از وزارت کشور و مقام مشورتی در شورای امور اقتصادی- اجتماعی سازمان ملل متحد
❖	راهاندازی نخستین دفتر در دانشگاه صنعتی شریف به عنوان نخستین جمعیت دانشجویی فعال در زمینه‌های اجتماعی
❖	بازگشایی نخستین دفتر رسمی مردمی در محله مولوی تهران در سال ۱۳۸۴
❖	تعداد داوطلبین: بیش از ۱۰,۰۰۰ داوطلب
❖	تعداد دفاتر: ۳۴
❖	تعداد کودکان تحت پوشش: بیش از ۳۵۰۰ کودک به طور مستمر در خانه‌های ایرانی
❖	تعداد نمایندگی‌ها در سراسر کشور: ۱۱ نمایندگی رسمی
❖	سایر استان‌های فعال: ۱۰ استان دارای رابط و اجرای برخی طرح‌های جمعیت

جدول شماره ۱-۲- بررسی نمونه موردی جمعیت امام علی (ع)



نمودار شماره ۱-۲- ساختار سازمانی و نحوه فعالیت





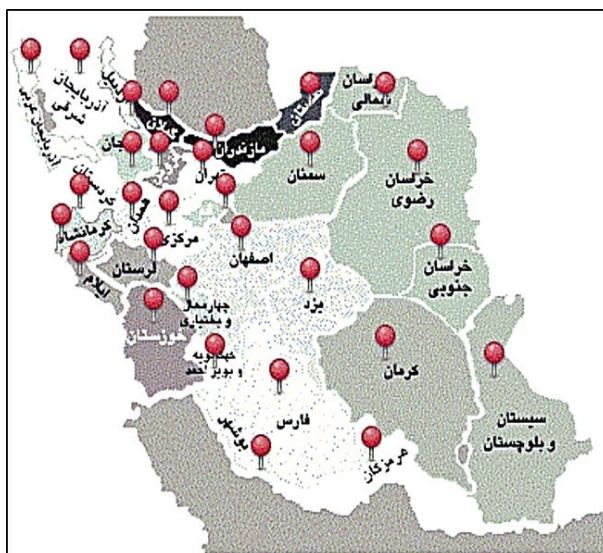
۲-۱-۱- بخش‌های ساختار اجرایی و تصمیم‌گیری:

۱. برنامه‌ریزی و توسعه
۲. شورای دانشجویی
۳. شورای مردمی
۴. منابع انسانی
۵. روابط عمومی
۶. سایت و IT
۷. آموزش
۸. طرح‌ها و پروژه‌ها
۹. نمایندگی‌ها
۱۰. امور مالی
۱۱. شناسایی و مددکاری
۱۲. بازاریابی و جذب مشارکت‌ها
۱۳. امور بین‌الملل

۲-۱-۲- حوزه‌های فعالیتی از نظر مکانی

حوزه‌های فعالیتی از نظر مکانی جمعیت امام علی (ع) طبق (تصویر شماره ۲-۱) و دفاتر، خانه‌های ایرانی و نمایندگی‌های جمعیت امام علی (ع) در سراسر کشور طبق (جدول شماره ۲-۲) عبارتست از:

شهرهای فعال عبارتند از: سمنان- سبزوار- بیرجند- خرمشهر- ایذه- اهواز- نیکشهر- ایلام- قزوین- بشاگرد- همدان- جاسک- خیرآباد- تبریز- زاهدان- سنندج- سردشت- مریوان- زنجان- یزد و اردکان



تصویر شماره ۲-۱- حوزه‌های فعالیتی از نظر مکانی

دفاتر، خانه‌های ایرانی و نمایندگی‌های جمعیت امام علی در سراسر کشور			
ردیف	استان	منطقه	تعداد کودک تحت حمایت
۲۵	هرمزگان	بندرعباس	۱۰۰
۲۶	بوشهر	بوشهر	۳۰
۲۷	قم	قم	۵۰
۲۸	خانه هنر تهران		۲۸
۲۹	خانه درمان تهران		۲۹
۳۱	خانه‌های اشتغال	خاکسفید مولوی	۳۱
۳۲		بندرعباس فرحزاد	۳۲
۳۳	تیم‌های فعال	مشهد کرج	۳۳
۳۴		جاسک میناب	۳۴
۳۵		خرم‌آباد ایلام	۳۵
۳۶	نمایندگی‌های در شرف تاسیس	خرمشهر زاهدان	۳۶
۳۷		یزد زنجان	۳۷
۳۸	بیرجند همدان	بیرجند	۳۸
۳۹	کرمانشاه	کرمانشاه	۳۹
۴۰	اصفهان	اصفهان	۴۰
۴۱	شیراز	شیراز	۴۱
۴۲	گلستان	گلستان	۴۲
۴۳	تهران	تهران	۴۳
۴۴	تهران	تهران	۴۴
۴۵	تهران	تهران	۴۵
۴۶	تهران	تهران	۴۶
۴۷	تهران	تهران	۴۷
۴۸	تهران	تهران	۴۸
۴۹	تهران	تهران	۴۹
۵۰	تهران	تهران	۵۰
۵۱	تهران	تهران	۵۱
۵۲	تهران	تهران	۵۲
۵۳	تهران	تهران	۵۳
۵۴	تهران	تهران	۵۴
۵۵	تهران	تهران	۵۵
۵۶	تهران	تهران	۵۶
۵۷	تهران	تهران	۵۷
۵۸	تهران	تهران	۵۸
۵۹	تهران	تهران	۵۹
۶۰	تهران	تهران	۶۰
۶۱	تهران	تهران	۶۱
۶۲	تهران	تهران	۶۲
۶۳	تهران	تهران	۶۳
۶۴	تهران	تهران	۶۴
۶۵	تهران	تهران	۶۵
۶۶	تهران	تهران	۶۶
۶۷	تهران	تهران	۶۷
۶۸	تهران	تهران	۶۸
۶۹	تهران	تهران	۶۹
۷۰	تهران	تهران	۷۰
۷۱	تهران	تهران	۷۱
۷۲	تهران	تهران	۷۲
۷۳	تهران	تهران	۷۳
۷۴	تهران	تهران	۷۴
۷۵	تهران	تهران	۷۵
۷۶	تهران	تهران	۷۶
۷۷	تهران	تهران	۷۷
۷۸	تهران	تهران	۷۸
۷۹	تهران	تهران	۷۹
۸۰	تهران	تهران	۸۰
۸۱	تهران	تهران	۸۱
۸۲	تهران	تهران	۸۲
۸۳	تهران	تهران	۸۳
۸۴	تهران	تهران	۸۴
۸۵	تهران	تهران	۸۵
۸۶	تهران	تهران	۸۶
۸۷	تهران	تهران	۸۷
۸۸	تهران	تهران	۸۸
۸۹	تهران	تهران	۸۹
۹۰	تهران	تهران	۹۰
۹۱	تهران	تهران	۹۱
۹۲	تهران	تهران	۹۲
۹۳	تهران	تهران	۹۳
۹۴	تهران	تهران	۹۴
۹۵	تهران	تهران	۹۵
۹۶	تهران	تهران	۹۶
۹۷	تهران	تهران	۹۷
۹۸	تهران	تهران	۹۸
۹۹	تهران	تهران	۹۹
۱۰۰	تهران	تهران	۱۰۰

جدول شماره ۲-۲- دفاتر، خانه‌های ایرانی و نمایندگی‌های جمعیت امام علی (ع) در سراسر کشور



۲-۲- ابعاد فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد

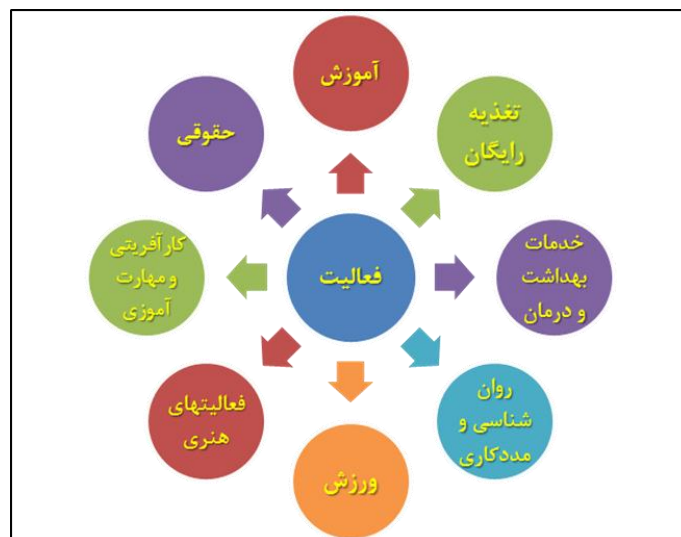
ابعاد فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد طبق (نمودار شماره ۲-۲) عبارتست از:



نمودار شماره ۲-۲- ابعاد فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد

۳-۲- حوزه‌های فعالیتی از نظر موضوع

حوزه‌های فعالیتی (از نظر موضوع) سازمان‌های مردم‌نهاد طبق (نمودار شماره ۳-۲) عبارتست از:



نمودار شماره ۳-۲- حوزه‌های فعالیتی (از نظر موضوع) سازمان‌های مردم‌نهاد

از طرفی همین‌الگویی که در سند ملی هم به آن اشاره شده برخلاف نگاهی که ما در گذشته در زمینه شهرسازی و معماری داشتیم که صرفاً یک نگاه کالبدی و محیطی بود و بیشتر خود ساختمان‌ها و بافت شهر مورد توجه و تغییر قرار می‌گرفت، در سند ملی (جدول شماره ۳-۲) دقیقاً به اجتماعات انسانی که در محلات زندگی می‌کنند اهمیت داده شده و البته اولویت به



این داده می‌شود که خود افرادی که در آن محله هستند مبنا قرار گرفته و تمامی برنامه‌ها و اهداف راهبردی توسعه دقیقاً با مد نظر قرار دادن تک به تک نیروهای انسانی که در آن منطقه زندگی می‌کنند تعریف شده و همزمان کالبد نیز در نظر گرفته شود.

معرفی سند ملی

سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۶ و بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های راه و شهرسازی، کشور، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری و شورای عالی استان‌ها و به استناد ماده ۱۶ قانون حمایت از احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری مصوب ۱۳۸۸، به تصویب هیئت دولت رسید.

جدول شماره ۲-۳- معرفی سند ملی

اهدافی که در سند ملی (جدول شماره ۲-۴) در آن بسیار اشاره شده است، شامل اجتماع محلی، نهادهای محلی، توانمندسازی، المان‌هایی که باید در نظر گرفته شود در راستای همان بازآفرینی پایدار است که دقیقاً کالبد و اجتماع هر دو در کنار هم مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرد.

اهداف کلان سند ملی

- اهداف این سند در دو حوزه پیشگیری و درمان مسائل محدوده‌ها و محلات هدف عبارتند از:
- ❖ پیش‌گیری و پیش‌نگری از گسترش محدوده‌ها و محله‌های نابسامان شهری از جنبه‌های اقتصادی- اجتماعی؛ محیط‌زیستی و کالبدی؛ ارتقای فرهنگ شهروندی، مشارکت و همکاری نهادهای محلی
 - ❖ بهبود وضعیت اجتماعی ساکنان و ایجاد فرصت‌های اشتغال و درآمد برای آنان؛ با توجه به ظرفیت‌های توسعه‌ای محدوده‌ها و محله‌های هدف
 - ❖ حفاظت پایدار و احیای میراث فرهنگی، تاریخی و هویت فرهنگی شهرها؛ و تحقق سبک زندگی پایدار در اقدامات احیاء، بهسازی و نوسازی شهری

جدول شماره ۲-۴- اهداف کلان سند ملی

قبل از اینکه در مورد الگوهایمان صحبت کنیم، می‌خواهم که خود دوستان ابتدا درباره‌ی تجربیاتشان صحبت کنند و به گروه‌هایی تقسیم شوند و صحبت شود درباره‌ی اینکه شما در منطقه یا سازمانی که هستید یک محله ناکارآمد شهری را مثال بزنید و از چند جهت توصیف کنید، از جهت خرده فرهنگ‌هایی که در آن محله است، کامل توصیف کنید که چه فرهنگ‌هایی در این محلات وجود دارد که شما را در برنامه‌ریزی در ارتباط با خودشان به چالش می‌کشند و شما باید تمام آن خصیصه‌ها، ویژگی‌ها و روحیات را در پایه‌گذاری ارتباطتان به نوعی لحاظ کنید، بنابراین لطفاً در خصوص موارد ذیل نظرات گروه‌های خود را جمع‌بندی و ارائه نمایید.

- ❖ توصیف خرده فرهنگ یک محله پایلوت ناکارآمد شهری، چالش‌ها و مصادیق مهم در بحث ارتباط و جلب مشارکت. منظور از چالش‌ها فقط ویژگی‌های منفی نیست می‌توانید به پتانسیل‌ها هم اشاره داشته باشید.
- ❖ المان‌ها و ویژگی‌هایی که برای اعتمادسازی مهم است، یعنی چه ویژگی‌ها و چه ساختارها و چه المان‌هایی را در ارتباط یا برخورد خود با برنامه‌ریزی‌ها در آن جامعه‌ی محلی مهم فرض می‌کنید، یعنی در کل اعتمادسازی چگونه اتفاق می‌افتد؟

وقتی دارید به بحث خرده فرهنگ‌ها اشاره می‌کنید یک بحث دیگر را هم در نظر بگیرید، به نظر شما علت اینکه مثلاً در شهر اهواز یک محله ناکارآمد بوجود می‌آید چیست؟ و مسائل و علت مرتبط با آن کدامند؟
دوستان لطفاً فضا را تجربی ببینید و خیلی دنبال بحث مبانی نظری نباشید، یعنی هرآنچه که در تجربه به شما اثبات شده است را مطرح کنید.





(در مورد ۳ شهر بررسی صورت گرفت، اهواز، بهبهان و شوشتر. از اهواز محلات (ملاشیه، منبع‌آب و حصیرآباد) از شوشتر محله (دره نوح) و از بهبهان محله (دره جغور))

خانم مهندس واحدی کمال: بررسی که قرار بود انجام شود این بود که واشکافی کنیم که غیر از مشکلات کالبدی، شناختی که از محله بدست آمده، مشکلات و معضلات و چالش‌ها و پتانسیل‌های فرهنگی و اجتماعی محله را بتوانیم توصیف کنیم و بحث دیگر اینکه بتوانیم علت‌ها و عوامل ایجاد محلات حاشیه‌نشین، سکونتگاه‌های غیررسمی یا بافت ناکارآمد را بررسی کنیم. کاری که می‌خواهیم انجام دهیم این است که اولاً چرا این کار را انجام دادیم؟ چرا توصیف و علت‌یابی را لحاظ کردیم، شاید بدین منظور که می‌خواهیم ارتباطی را صورت دهیم، چرا که اگر می‌خواهیم به محله‌ای ورود پیدا کنیم و کاری انجام دهیم باید برنامه‌ریزی داشته باشیم، سپس برنامه را اجرا و ارزیابی کنیم تا به یک هدف یعنی توانمندسازی و خروج یک محله از غیر رسمی بودن آن در جامعه برسیم.

برای اینکه بخواهیم برنامه دهیم و بتوانیم یک ارتباط صحیح، سالم و مؤثر با آن جامعه محلی ایجاد کنیم اولین قدم شناخت آن جامعه محلی است، تمام علل و عوامل و المان‌های آن را بشناسیم، مثلاً دوست عزیزی که به محله منبع‌آب رفته است با چند خانواده آن محله صحبت کرده است؟ آیا در اوقات مختلف روز، صبح، ظهر، شب و ... به آن محله رفته است؟ چون هر کدام از این اوقات یک گراف در مورد خصوصیات آن محله می‌دهد. من فکر می‌کنم که اساتید در اینجا بیشتر وارد هستند و خیلی وقت‌ها طرح‌ها و برنامه‌های مختلف در ساختارهای رسمی ما صورت می‌گیرد و خود ما شاهد این قضیه بودیم که برنامه‌ها به نتیجه‌ای نرسیده است و شاید اگر این عدم بدست آوردن نتیجه صحیح یک برنامه، آسیب‌شناسی شود، دقیقاً به این نقطه می‌رسید که محله به درستی شناخته نشده است و چون به درستی شناخته نشده است از منظر چه کسی طرح مسئله شده است؟ از منظر خودمان! با یک نگاه گنگ و از منظر خودمان برای آن افراد شروع به طراحی و قضاوت کرده‌ایم و معمولاً قضاوت‌های ما در مورد آنها بصورت از بالا به پایین است. اگر ما به عنوان کارشناس در ساختار شهرداری در مورد یک بخش منفی، معضل‌دار و مشکل‌دار شروع به کار کنیم شاید تجربیات و برنامه‌ریزی ما خیلی پوسته‌ای و فیزیکی باشد و با روح و فضایی که در آن محله حاکم است چه به شکل منفی و چه به شکل مثبت خیلی ارتباط برقرار نشود، چون به اولین مرحله و قدم که بحث شناسایی و مطالعه است، اولویت داده نشده است. این مسئله اولویت بسیار بالایی دارد.

در این راستا شناسایی، مطالعه و توصیف وضعیت موجود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده که اصولاً در نتیجه ارتباط حاصل می‌شود. محله دروازه غار تهران نمونه موردی است که در آخر به آن اشاره می‌کنیم، محله‌ای است که از سال‌های قبل از انقلاب تا کنون جزو مناطق حاشیه‌ای بوده و علی‌رغم آنکه در وسط شهر تهران قرار داد ولی معضلات و آسیب‌های اجتماعی در آن بسیار زیاد است، بحث اعتیاد، کارتن‌خوابی، مصرف و توزیع مواد مخدر و بحث مهاجرت، فقر فرهنگی، فقر اقتصادی و آسیب‌هایی که در پی آنها برای افراد مختلف آن جامعه محلی، کودکان، زنان و ... ایجاد شده است که ما این نمونه موردی را از منظر یک سازمان مردم‌نهاد توصیف می‌کنیم ولی یقیناً ما در ساختاری مثل شهرداری و وزارت راه و شهرسازی هم می‌توانیم چنین برنامه‌ای را تدوین کنیم که اولین قدم ما شناسایی و مطالعه است، شناسایی و مطالعه‌ای که باید بر اساس یک ارتباط پایدار و بدون فاصله اتفاق بیفتد، یعنی خیلی در موضعی نباشیم که ما کارشناس هستیم و طرفمان فردی که خیلی آدم بیچاره‌ای است! چون خیلی از محلات هستند که از نظر امنیتی اجازه ورود به آنجا را نداریم و یک تابو در جامعه است که مثلاً اگر به محله منبع‌آب بروید ممکن است زنده برنگردید!





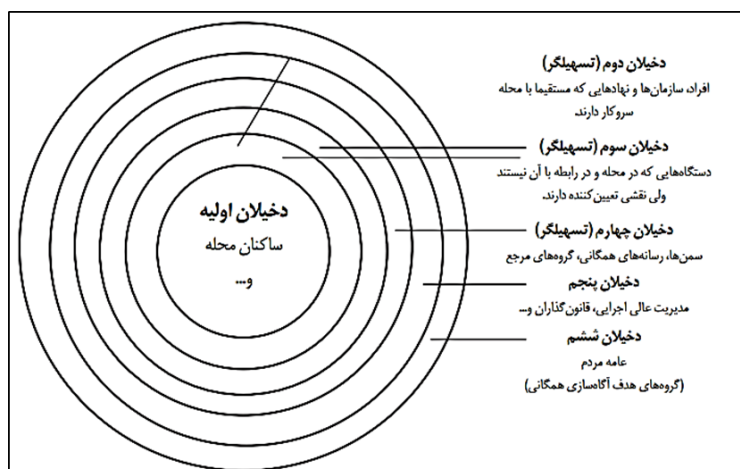
محله شیرآباد زاهدان دقیقاً چنین منطقه‌ای بود. برای شناسایی به زاهدان رفته بودیم از هر کدام از افراد محلی که می‌پرسیدیم که محله‌ی حاشیه‌ای اینجا کجاست؟ می‌گفتند محله شیرآباد و کریم‌آباد. وقتی درخواست می‌کردیم که ما را راهنمایی کنند هیچ کدام از افراد آن شهر حاضر نبودند که وارد آنجا شوند.

بنابراین می‌خواهیم ببینیم که چه برنامه‌ریزی‌ها و ارتباطاتی می‌توانیم داشته باشیم که در پی آن بتوانیم وضعیت موجود را مشخص کنیم و بر اساس آن وضعیت موجود را تدوین کنیم، اینکه این افراد چه کسانی هستند؟ چرا وضعیت‌شان به این صورت است؟ اینها سوالات بسیار بسیار مهمی است.

یکبار از خودمان پرسیم آیا محله‌ی مثلاً ملاشیه که اعتیاد و فقر در آن است، شغل غالب آن دستفروشی است، تکدی‌گری و توزیع مواد مخدر در آن وجود دارد، آیا علل و عواملی که در این محله ایجاد ناهنجاری می‌کند فقط در خود آن محله است؟ در این دیاگرامی که وجود دارد انواع دخیلان دیده می‌شود.

۲-۴- انواع دخیلان در باز آفرینی شهری پایدار

دخیلان اولیه که ما با آنها سر و کار داریم و از آنها اطلاعات و دیتا (Data) می‌گیریم و وضعیت را می‌سنجیم و دقیقاً می‌خواهیم با کمک خود ساکنین محله، محله را ارتقاء و تغییر دهیم، نه با حذف آن افراد. یعنی چرا وارد این محله می‌شویم؟ یک زمانی طرح مسئله ما این بود که مثلاً در محله خاکسفید تهران همه مواد مخدر مصرف می‌کنند، همه توزیع مواد مخدر انجام می‌دهند، با بلدوزر شروع به تصحیح محله کنیم! هدف چه بود؟ هدف این بود که آن افراد حذف شوند، یعنی در نظر گرفته شده بود که اگر همه افراد آن محله دستگیر و زندانی شوند و خالی از سکنه شود، ساختمان‌های زیبا در آن می‌سازیم، محله خاکسفید تبدیل به خاکسفید می‌شود و دیگر خاک سیاه نیست! آیا این طرح مسئله صحیح است؟ ما به عنوان شهرساز یا معمار یا جامعه‌شناس وقتی می‌خواهیم به یک فضای شهری که دچار مشکل است ورود پیدا کنیم بزرگترین دغدغه و انگیزه ما که باید برای آن برنامه‌ریزی کنیم ساکنین آن محلات هستند تا ساختمان‌ها و بافت شهری آن. یعنی اگر بخواهیم بر بافت شهری آن تأثیر بگذاریم باید ساکنین این محلات بتوانند ارتقاء پیدا کنند، آسان‌تر و سهل‌تر از یک سری امکانات استفاده کنند و به مرور فضای پیشرفت و البته توانمندسازی در آن محلات ایجاد شود، این بسیار بسیار مسئله مهمی است. دخیلان را می‌بینیم (نمودار شماره ۲-۴)، دخیلانی که در مراتب و اولویت‌های مختلفی قرار دارند، حتی به جایی می‌رسید که با قانون‌گذار و مدیریت عالی اجرایی سر و کار دارید یعنی ساختار اقشار مختلف اجتماع. این دیاگرام به ما می‌گوید اگر می‌خواهیم روی منطقه‌ی منبع آب تأثیر بگذاریم، باید برای عامه‌ی مردم هم برنامه داشته باشیم.



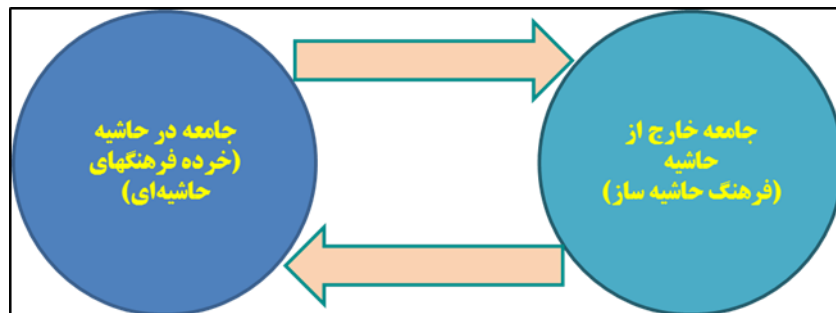
نمودار شماره ۲-۴- انواع دخیلان در باز آفرینی شهری پایدار





۲-۵- لزوم مشارکت مردم در بازآفرینی شهری

حتی جامعه‌ای که از منبع آب جدا است و خیلی به آن ارتباطی ندارد و با آن متفاوت است. باید در رسانه‌های همگانی، گروه‌های مرجع تأثیرگذار بود و سازمان‌هایی که در آن محلات آمده‌اند و در آنها دخل و تصرف می‌کنند، سازمان‌های مردم‌نهاد، شهرداری، سازمان‌های حمایتی و اجرایی و ... همه بسیار بسیار مهم هستند که در نظر گرفته شوند (نمودار شماره ۲-۵). در حقیقت برای اینکه بخواهیم یک برنامه‌ریزی و ارتباط صحیح را شکل دهیم اول از همه باید آن منطقه را خوب شناسایی کنیم. توصیف وضعیت موجود در نتیجه یک ارتباط صورت می‌گیرد و یک مسئله بسیار بسیار مهمی که توسط ما باید در نظر گرفته شود این است که ما از یک جامعه غیر حاشیه وارد جامعه حاشیه می‌شویم و وقتی می‌خواهیم وارد شویم و کار انجام دهیم یقیناً باید چندین المان را برای ورود در نظر بگیریم، تمامی برنامه‌هایی که شاید به در بسته خورده است و به نتیجه‌ی مثبتی نرسیده است متأثر از این بوده است که همیشه ما از نقطه نظر خودمان آن افراد را قضاوت کرده‌ایم. یعنی اگر بخواهیم اعتمادسازی انجام دهیم و آن افراد را جذب خود کنیم اول باید آنها را بشناسیم، اول باید چرایی و چیستی و چگونگی شرایط آنها را ترسیم کنیم در این صورت است که می‌توانیم المان‌هایی را پیدا کنیم، رفتارهایی را دنبال کنیم، روحیه‌ای را در محله جاری کنیم که آن افراد را با برنامه مثبت و سازنده‌ی خود همگرا کنیم.



نمودار شماره ۲-۵- مشارکت مردم در بازآفرینی شهری

بنابراین درباره‌ی چند مبحث می‌خواهیم صحبت کنیم، اول اینکه چه مصادیقی برای این شناخت در نظر گرفته شود؟ دوم رفتار (منظور رفتار سازمانی یا رفتار حضور ما در محله است) ما چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ مثلاً دوستان اشاره جالبی داشت به اینکه همیشه نگاه از بالا به پایین وجود دارد، همیشه نگاه این است که مشکل یک محله همیشه در خود آن محله است یعنی اگر مثلاً محله منبع آب وجود دارد به دلیل این است که ساکنین آن از بدو تولد افراد بیچاره‌ای بوده‌اند! باید بررسی کنیم علل و عواملی که نوشته‌ایم چقدر به درون منطقه حاشیه و چقدر به بیرون منطقه حاشیه ارتباط دارد؟ از منظر شما این افراد معلول شرایط محیط هستند یا علت شرایط؟ این مسئله خیلی مهمی است. وقتی خود این افراد علت فرض شوند ناخودآگاه ورود و ارتباط یک ارتباط چکشی و یک ارتباط حذفی است. یک ارتباط پالایشی است. صرفاً ارتباطی که اتفاق می‌افتد بین کارشناسان و جامعه‌ی محلی یک ارتباط خطی و یکسویه است، چرا؟ چون کارشناس می‌گوید این جامعه‌ای که من در آن وارد شده‌ام یک جامعه کامل و همه چیز دانی است، یک جامعه‌ای که الگو است و این جامعه ناقص، مشکل و آسیب است و من صرفاً قرار است که کنش‌های خود را به این سیستم وارد کنم و بخواهم دخل و تصرف داشته باشم!

بنابراین یکی این شد که علت‌ها را ردیابی کنیم و سؤال کنیم آیا علت اینکه یک محله‌ای مهاجرپذیر شده است و محیط داخلی امن است چه بوده است؟

مثلاً وقتی به دروازه غار تهران می‌رفتید می‌دید که پارک محله کاربری پارک نداشت، همه در آنجا مصرف مواد مخدر داشتند، سیزده بدر کارتن خواب‌ها بود! جالب اینجا بود که شما که به آن محله می‌رفتید دقیقاً ناهنجاری امنیت داشت! مصرف مواد در





خارج از حاشیه یا توزیع آن به صورت علنی جرم محسوب می‌شد ولی در آن حاشیه بصورت علنی مصرف و توزیع مواد انجام می‌شد و حضور شما یک حضور نامربوط بود!

بنابراین از توصیف وضعیت موجود که در نتیجه یک ارتباط پایدار اتفاق می‌افتد می‌خواهیم علل و عوامل را مشخص کنیم، در نتیجه این علل و عوامل می‌خواهیم ببینیم که این ارتباط و محتوایی که می‌خواهیم به جامعه محلی ببریم به چه شکلی باید باشد، این موضوع بسیار مهم است، بنابراین یکی از مصادیقی که در نظر می‌گیریم شناسایی و شناخت نسبت به موقعیت است، همه شما دوستان می‌دانید که بسیاری از برنامه‌ها که با شکست مواجه شده است به دلیل عدم آگاهی و شناخت درست است یعنی یک قدم مهم در اعتمادسازی که همین شناسایی، مطالعه و اولویت است، شناخت ما است ما باید به یک شناخت صحیح که آن را مرحله شناخت می‌نامیم برسیم. در پایان الگوهایی را مثال می‌زنیم مثل جمعیت امام علی (ع) به عنوان یک سازمان مردم نهاد، برای اینکه بتواند وارد محله دروازه غار شود و بتواند الگوسازی کند و اطلاع کسب کند، حتی یکسری آئین‌سازی انجام داده است، یکسری طرح‌ها را ایجاد کرده است که در نتیجه آن طرح می‌تواند افراد محله را درگیر کند تا بتواند با افراد محله یک ارتباط بگیرد، ولی قطع به یقین دوستانی که در اینجا هستند و تخصص لازم و کافی و دقیقاً در فیلدی کار می‌کنند که هم دانشش را داریم و هم می‌خواهیم یک برنامه‌ای را صورت بدهیم این است که بزرگترین معضلی که داریم قبل از اینکه بخواهیم شناسایی کنیم دوپاره شدن و شقه شدن جامعه است، افرادی که از یک سو معضلات و ویژگی‌ها و یکسری خرده فرهنگ‌ها را صاحب شده‌اند و افرادی که در سوی دیگر صاحب یک خرده فرهنگ جدا، هنجارها و ارزش‌های دیگر شامل حالشان شده است.

مثلاً بعضی دوستان نوشته‌اند در یک سمت یکسری امکانات رفاهی اصلاً وجود ندارد، مثلاً مدرسه نیست، خانه بهداشت نیست، این سمت یکسری امکانات، روتین جامعه است مثل داشتن شناسنامه فرزند یا به مدرسه رفتن فرزند، امکان بهداشت و درمان برای او موجود است، به نوعی در نتیجه این علل و عوامل ما که به عنوان کارشناس می‌خواهیم برنامه‌ریزی کنیم با دو فرهنگ روبرو می‌شویم، یکی فرهنگ حاشیه‌ساز و دیگری فرهنگ حاشیه‌ای به نظر شما کدام مربوط به کدام است؟ چه مصداقی برای آن داریم؟ چگونه ایجاد حاشیه می‌کنیم؟ در مورد تمام این دخیلان مثال بزنید.

دوستان می‌گویند مثلاً فرض می‌کنم و اعتقاد دارم که فرهنگ حاشیه‌ساز من مربوط به دخیلان دیگر است، ساختار اجرایی، قانون‌گذار و ... یک مصداق برای آن بیاورید، مردم چگونه می‌توانند حاشیه بسازند؟

آقای مهندس عبائی باقری: ما زمانی حاشیه می‌سازیم که بعضی از گروه‌ها دفع شود. مثلاً فرض کنید عده‌ای معتاد می‌شوند، این افراد طرد می‌شوند و در حاشیه قرار می‌گیرند.

آقای مهندس ثابت قدم: منابع مالی که در شهرداری‌ها تعریف می‌شود، من در جلسه‌ای بودم که برای من خیلی جالب بود می‌گفتند چرا پول منطقه‌ی کیانپارس باید خرج منطقه‌ی منبع آب شود! تصمیم‌گیرنده‌ها و تصمیم‌سازهای اصلی احساس کردم که بساز و بفروش‌های اهواز هستند. که چرا پول مناطقی مثل کیان آباد و کیانپارس باید خرج مناطقی مثل کوی منبع آب و ملاشیه شود. من روزی به این گفته‌ها می‌خندیدم.

خانم مهندس واحدی کمال: برای این گزاره بگذارید، از این گزاره می‌خواهیم به این مسئله برسیم که توزیع منابع و سیاست-گذاری غلط است.

آقای مهندس ثابت قدم: چیزی که اتفاق افتاد این بود که زمانی که من بینم آن بستر خوب و فضاهای تفریحی و مجتمع‌ها در محلات مرفه اگر روزی کم شود صدای یکسری افرادی که در همان جا زندگی می‌کنند در می‌آید و همان‌ها هم تصمیم-سازهای ما هستند! شما نمی‌توانید یک مدیر کلان را ساکن در منطقه منبع آب یا ملاشیه یا لشکرآباد ببینید، جالب است





تمامی محلات قدیمی اصیل هستند و تمام محلات به روز محلاتی هستند که تازه به دوران رسیده‌اند، سابقه تاریخی شکاف طبقاتی را فراموش نکنیم، این سابقه تاریخی و نوع زندگی در کدام منطقه شهر در تمام زمان‌ها وجود داشته است و هیچوقت حذف نشده است.

خانم مهندس واحدی کمال: یعنی این پذیرش جامعه است که باید یکسری از افراد به حاشیه بروند.

آقای مهندس ثابت قدم: این ذهنیت تاریخی در کشور ما وجود داشته است و دارد.

آقای مهندس شهوازی: تصمیمات غیرکارشناسی در سطح ملی که هم اکنون هم دارد موجب حاشیه‌سازی می‌شود، یک مثال در اطراف زابل و رود هیرمند است که روستانشینان ما به دلیل خشک شدن رودخانه هیرمند دارند حاشیه‌نشین می‌شوند و در همین خوزستان خودمان هم به دلیل احداث سدهای غیرکارشناسی که تعدادشان زیاد شده است، موضوع ریزگردها از یک طرف و موضوع آلودگی هوا از طرف دیگر موجب شده است که مردم بیشتر به سمت حاشیه شهرهایی مانند اصفهان و کرج و ... مهاجرت کنند.

خانم مهندس واحدی کمال: دوستان درباره‌ی بعد سیاست‌گذاری و ساختارهای کلان مثال زدند، مثال‌هایی درباره‌ی مثلاً یک

دانشجو، یک شهروند جامعه و ... بزنید که چگونه حاشیه‌سازی می‌کنند؟

یکی از شرکت کنندگان: مثلاً صدا و سیما می‌تواند فرهنگ‌سازی کند و این محلات را به عامه مردم نشان دهند و نشان دهند که با یکسری امکانات در محله‌ها فرهنگ‌سازی کنیم و از عامه مردم بخواهند که از این محلات بازدید داشته باشند و وارد این محلات شوند و مردم این محلات را بپذیرند، در مدارس، مسجد محله و سایر مکان‌های اجتماعی نهادهایی تشکیل دهند و افرادی را آموزش دهند که به افراد آن محله آموزش دهند. مثلاً با کودکان کار برخورد خیلی بدی می‌شود، من دانشجو هر روز کودک کار را می‌بینم، همه در سطح شهر می‌بینند، ولی صدا و سیما طوری باید فرهنگ‌سازی کند که مردم این قشر را بپذیرند و از آنها دوری نکنند، این خیلی مهم است.

خانم مهندس واحدی کمال: درست است در واقع جامعه مدنی برای ارتقاء شکل بگیرد یعنی به گونه‌ای روی فرهنگ حاشیه-

ساز یکسری المان‌ها می‌بینیم.

یک المانی که وجود دارد، عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عدم شناخت صحیح آسیب‌های اجتماعی حاشیه‌ها و دیگری هم بی‌تفاوتی است که در نتیجه این المان‌ها شما می‌بینید که حاصل آن می‌شود سیاست‌گذاری‌های غلط، تخصیص نادرست منابع، پذیرش همگانی اختلاف طبقاتی، یعنی من یک جایی (شهروند جامعه هستم) می‌گویم خوب اعتیاد هست دیگر، این کودک کار هم جزو مبلمان شهری من شده است، یعنی هر روز عادت کرده‌ام که سر چهارراه او را ببینم که هر روز دارد کار می‌کند، به جایی می‌رسم که می‌گویم این کودک به نوعی باید جزو الگوی شهر باشد!

جامعه‌ای که در حاشیه است و جامعه‌ای که خارج از حاشیه است، افراد جامعه خارج از حاشیه می‌ترسند وارد جامعه حاشیه شوند و افراد جامعه حاشیه هم می‌بینند که دیگر ربطی به این جامعه ندارند و مورد پذیرش نیستند و مورد قضاوت هستند، اینجا یک کلونی تشکیل می‌شود که سیستم و استایل زندگی خودشان را در شکل فقر، اعتیاد، مشاغل کاذب و فرهنگ حاشیه‌ای که شما راجع به آن صحبت کردید پیش می‌برند. ازدیاد تعداد خانوار و تولد بچه‌های زیاد و اولویت‌بندی‌های ناصحیح در ساختار خانواده مثلاً شاید پدری برای فرزندش شناسنامه نگیرد یا خانواده‌ای به درمان کودکش اهمیت ندهد، همه‌ی این موارد حاصلش در فرهنگ حاشیه‌ای دیده می‌شود. این ساختار و این دیگرام شما را در ارتباط و اعتمادسازی راهنمایی می‌کند. سؤالی می‌پرسم وقتی شما این ساختار را نگاه می‌کنید آیا می‌توانید این دیگرام را در ارتباط با جامعه محلی خودتان ترسیم کنید؟ یعنی بگوئید الان می‌خواهم در جامعه محلی خودم طرح بدهم، می‌خواهم برنامه‌ریزی کنم، و این را هم در نظر





بگیرید که ما الان که دور هم جمع شده‌ایم و داریم صحبت می‌کنیم شاید رشته‌های ما معماری، شهرسازی باشد ولی از یک تجربه ناصحیح و غلطی که در شهرسازی ما اتفاق افتاده بود و حذف جامعه محلی بود، حال می‌خواهیم روی این موضوع کار کنیم که ما به عنوان شهرساز یا معمار باید یک جامعه‌شناس هم باشیم و باید کار جامعه‌شناسی انجام دهیم، کار روانشناسی باید انجام دهیم و یک زنجیره‌ای از دانش‌های مختلف را با هم درگیر کنیم یعنی به میزان اینکه کالبد را خوب می‌شناسیم، طراحی را خوب می‌شناسیم، اقلیم را خوب می‌شناسیم، به همان میزان باید خوب بتوانیم جامعه خودمان را روانشناسی کنیم، جامعه مورد نظر ما خوب باید جامعه‌شناسی شود. این است که اگر می‌بینید یک مقدار بار مسائل جامعه‌شناسی و روانشناسی بالا است برای این است که این مسئله بسیار بسیار مهم است و اگر می‌خواهیم طرحی بزینم این مسائل باید در آن لحاظ شود. بنابراین می‌بینیم که این رابطه خطی از اینجا حاصل شده بود که ما تمامی علل و عوامل ایجاد حاشیه را فقط در خود منطقه می‌دیدیم و خودمان را میرا و مستثنی از بوجود آمدن چنین مناطقی می‌دیدیم ولی الان خود شما اشاره می‌کنید که همه ما قبل از اینکه سمتی داشته باشیم یک شهروند هستیم و قبل از آن هم یک انسان هستیم، اگر تمام این موارد را در نظر بگیریم همه ما در یک راستا قرار می‌گیریم، یک مثال بزنم مثلاً در شهرمان یکسری المان‌های قدیمی و فضاهای منفی می‌بینیم، مثلاً همان کودکی که دارد کار می‌کند، که البته در مباحثی که نگاه کردم شاید باید این سؤال را می‌گنجاندم که به نظر شما آن دسته از افرادی که در محله بسیار بسیار باید مورد توجه قرار بگیرند و روی آنها سرمایه‌گذاری شود کدام دسته هستند؟ کودکان، زنان و قشر جوان محله بسیار بسیار مورد اهمیت بوده و در برنامه‌های ما باید مد نظر قرار بگیرند، یا سؤال بپرسیم که قشر آسیب‌پذیر جامعه محلی ما چقدر در این مطالعات و شناسایی و برنامه‌ریزی که می‌خواهد صورت دهیم سهم دارد. شاید خیلی بحثی از کودکان محله نبود ولی جالب است شاید قشری که هیچ دخل و تصرفی در شرایطشان ندارند کودکان محله هستند و اتفاقاً تجربه‌ای را که دارم و توانست اعتمادسازی را جلب کند تمرکز روی کودکان بود، شاید باورتان نشود وقتی می‌خواهیم وارد یک خانواده یا محله شویم در قدم اول ارتباط با کودک آن خانواده و برنامه‌ریزی برای آن کودک بسیار بسیار توانسته راه را هموار کند که قضا یا خوب بتوانیم تجزیه و تحلیل کنیم و بتوانیم آن خانواده را به نوعی جذب کنیم. بنابراین اولین قدم وارد شدن و برنامه‌ریزی داشتن است.

به اینجا رسیدیم که می‌بایست علت‌ها را وا شکافی کنیم. مثلاً ما به عنوان شهروند هر روز به یک بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی در یک اشل جزءتر مواجه هستیم، حال در یک اشل کلان‌تر من مسئول که شهروند هم هستم و هر روز دارم کودکان این محله را می‌بینم، باید از خودم بپرسم که مثلاً کدام سیاست‌گذاری غلط ما در توزیع اراضی، یا در توزیع منابع، خودش ایجاد حاشیه می‌کند. وقتی منطقه‌ای در آن کار تعریف نشود، مشکلات زیست‌محیطی در نتیجه سیاست‌گذاری‌های غلط مسئولین باشد، باید این پیش‌بینی را بکنیم که در آینده افراد آن شهر یا روستا همه به شهر دیگری مهاجرت کنند. این است که همه این‌ها، عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی، شناخت ناصحیح و بی‌تفاوت خودش ایجاد حاشیه می‌کند. بنابراین اینجا به ما یک فیلدی می‌دهد که ما باید این را در نظر بگیریم که این رابطه ما باید دوسویه تعریف شود نه یک سویه.

ما فقط قرار نیست که برویم تغییر را در محله ایجاد کنیم، چه بسا تغییر باید در هر دو سو لحاظ شود، یعنی اگر داریم یک برنامه می‌دهیم و می‌خواهیم شروع کنیم روی یک جامعه محلی کار کنیم باید فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی، جذب مشارکت داوطلبانه و مردمی را لحاظ کنیم یعنی دانشجویی که شهرسازی خوانده و در آینده می‌خواهد وارد ساختار رسمی مثل شهرداری، اداره کل راه و شهرسازی و ... شود باید صاحب یک نگاه و فرهنگی باشد که این فرهنگ و نگاه این المان‌ها را نداشته باشد، حتی اگر می‌خواهد کسب درآمد داشته باشد و شغل رسمی خودش را در راستای یک برنامه‌ریزی شهری و کار بر روی سکونتگاه غیررسمی داشته باشد، بنابراین باید این رابطه را دوسویه تعریف کرد (جدول شماره ۲-۵).





مفهوم مشارکت

- اگر تعریف اولیه مشارکت الهام گرفته از برنامه جهانی غذا و توضیحات مربوط بدان مرور شود، چند نوع مفهوم کلیدی به چشم می‌خورد. این مفاهیم عبارتند از:
۱. قدرت بخشیدن
 ۲. شنیدن صدای آسیب پذیران
 ۳. امکان موفقیت بیشتر
 ۴. دیدگاهی مردم مرکز
 ۵. شانس مساوی دادن به زنان و مردان
 ۶. فرآیند مقتدر شدن (عادت شده است که به علت عدم درک عمیق از مشارکت، از مقتدرسازی یاد شود که به علت وجود «سازی» به عنوان پسوند، گویی کسی یا فردی از بیرون باید فرآیند مقتدر شدن را شکل دهد، به راه اندازد و به فرجام رساند که با مفهوم عدم درگیر شدن و دخالت تسهیلمان منافات دارد. لذا تمامی مفاهیمی که پسوند «سازی» به آنها وصل شده است، باید دگرگون شوند).
 ۷. انتقال دانش، معرفت و مهارت
 ۸. خود اتکایی بیشتر
 ۹. مشاوره
 ۱۰. شکل‌گیری ترتیبی عادلانه و برابر
 ۱۱. سهیم شدن در منافع
 ۱۲. اثر گذاشتن بر سرنوشت خود

جدول شماره ۲-۵- مفهوم مشارکت

این رابطه دو سویه چند مسئله را تعریف می‌کند، یکی اینکه ما در اینجا صرفاً نقش تغییر دهنده صرف نداریم، نقش اقتداری و نقش قدرت بر این ساختار نداریم، مثلاً می‌گوئیم ما داریم از یک موضع قدرتمند و همه چیزدان وارد محله می‌شویم مطمئن باشید این نگاه به حذف آن افراد می‌انجامد، این نگاه به برنامه‌های غلطی می‌انجامد که در نهایت می‌بینم مثلاً در محله دروازه غار، پارک‌های آنجا را پاکسازی کردند، ولی وقتی به میدان شوش تهران می‌روید می‌بیند که همه آن کارتن خواب‌های محله دروازه غار به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. یا خیلی از ساکنین خاک‌سفید مهاجرت کرده‌اند به بومهن و یک جای دیگر تبدیل به حاشیه شده است.

ولی وقتی عنوان در آن محله به عنوان تسهیلمان باشد، یعنی نقشی که برای شما تعریف می‌شود، نقش تسهیلمان است. تسهیلمانی یکسری المان‌ها دارد، ما برای اینکه بتوانیم اعتماد ایجاد کنیم باید بدانیم به چه چیزهایی بسنده کنیم و اعتماد-سازی ریشه در چه چیزی دارد؟

وقتی می‌خواهیم این ارتباط را لحاظ کنیم باید این را در نظر بگیریم که ما و افتراق این دو جامعه در یکسری مسائل است، اولین مسئله‌ی آن منحنی رشد است، منحنی رشد افراد دو جامعه با هم فرق می‌کند، یعنی چه؟ یعنی اینکه مثلاً بستری که شما برای رشد در زندگی عادی تعریف می‌کنید با بستری که یک مادر در محله ملاحیه تعریف می‌کند به دلیل شرایط موجود متفاوت است. آن مادر اعتیاد دارد ولی این مادر اعتیاد ندارد، این مادر درگیر فقر است ولی این مادر درگیر فقر نیست، بنابراین منحنی رشد آنها با هم متفاوت است، آن فرد در کودکی و نوجوانی خود بستری که دارد برای شناخت خود و جامعه و جهانش با بستری که من و شما در کودکی خودمان با توپ بازی کردن و نقاشی کردن و ... به کشف خودمان و جهان اطرافمان رسیده‌ایم متفاوت است، اینگونه مقایسه کنید کودکی هر روز با فال‌فروشی و تکی‌گری جهان اطراف خود را کشف می‌کند، خود را در یک شکل فرودستی و ناچیزی و حقارت پیدا می‌کند، نگاه‌ها و چشم‌هایی که سرد هستند و از او می‌گذرند، جهانی که فقط نسبت به او آزار و اذیت نشان داده، شما شاید خیلی بهتر از بنده بدانید که در این محلات المان‌هایی مثل اعتیاد به مواد مخدر کودکان هم دیده می‌شود.





در المان‌های خود ننوشته‌اید مطمئناً اعتیاد کودک هم در این محلات به چشم می‌خورد. اعتیاد به سنن پائین‌تر رسیده و شما باید این را در نظر بگیرید که آن افراد الان چه چیزی را دارند تجربه می‌کنند. کودکی که در محله در حال گذران زندگی است چه چیزهایی را دارد تجربه می‌کند. آزارها و اذیت‌هایی را که متحمل می‌شود چیست؟ آن آزاری را که می‌بیند چه سهمی از بی‌اعتمادی را برای او تعریف می‌کند. آن کودک حتی نسبت به خانه و خانواده خودش هم بی‌اعتماد است، به میزان اینکه پاسخ‌های منفی و نامطلوب در ازای نیازها و حقوقش دریافت کرده در ناخودآگاه آن کودک، آن فرد و آن مادر یا پدر یا خانواده شکل گرفته که او در یک محیط ناامنی قرار دارد، در محیطی نیست که برای او بستر در شرایط سالم و صحیحی باشد، شاید قانونی که ما باید در اینجا ببینیم اینجا یک قانون دیگر است در جای دیگر قانون دیگری. اینجا قانون تنازع بقا است و در اینجا باید همیشه در یک موضع حمله باشید که در دفاع قرار نگیری ولی در جامعه دیگر کودک در مورد مسائلی مثل پوشاک یا مسکن اصلاً فکر نکرده است، همه چیز فراهم بوده است. آن خانواده در یک شکل مرسوم و طبیعی شغلی داشته است، سرپناهی داشته و شرایط را پیگیری کرده است، ولی شما می‌بینید که از همان ابتدا که یک فرد در این محلات متولد می‌شود، فضایی که برای او بسترسازی و زمینه می‌شود، این است که اصلاً نیازها و حقوقش در نظر گرفته نمی‌شود به دلیل جو و شرایط اطرافش. مفهوم مادر و پدری که متفاوت شده است. محله‌ای که المان‌های پرخطری است، نگاه می‌کنید می‌بینید که منحنی رشد این افراد این است که به اطراف و محیط خودشان این میزان اعتماد را دارند، ما می‌توانیم با شناختی که نسبت به اطراف خودمان پیدا می‌کنیم اعتماد کنیم و یک ارتباط را پایه‌ریزی کنیم، ارتباطاتمان را هدف‌گذاری کنیم و در پایان آن هدف به نتیجه‌ای برسیم. ولی در فضای محلات حاشیه مثلاً دوستان در شهرداری طرحی می‌ریزند و به محله می‌روند و با آن خانواده‌ها و مادرها ارتباط می‌گیرند و می‌بینند که ته ذهن آنها این بود که از ما اقلام بگیرند، یا خانه خود را با چیزی تعویض کنند، آنها برای توانمندسازی محلات رفته‌اند، با هدف اجماع محله رفته‌اند، با هدف همگرا کردن افراد آن محله رفته‌اند، ولی هرکاری کردیم دیدیم ته ذهن این افراد این است که چیزی از ما بگیرند و بروند، چون بی‌اعتماد هستند و می‌فهمند که شما به آنها تعلق نداری. آنجایی که در منحنی رشد شما تجربه کردی در سمت جوامع حاشیه فقط اجبار و حقارت بود، این تفاوت در منحنی رشد بسیار بسیار مسئله مهمی است. این مسائل را مطرح می‌کنیم که بگوئیم جوامع غیر حاشیه دارند این شرایط را فراهم می‌کنند. یعنی به میزان اینکه یک جامعه در بستر و فضای خودش شرایطی را ایجاد کند که کودکی کار نکند، اعتیاد و توزیع مواد مخدر مورد پذیرش باشد، نتیجه‌اش این می‌شود که منحنی رشد چنین کودکانی المان‌های منفی‌اش بیشتر است. آن بایدها و نبایدها و ارزش‌گذاری‌ها یک بحث افتراق است، شما می‌بینید که این افتراقات وجود دارد و همین افتراقات اگر در نظر گرفته نشود، ماحصل این‌ها می‌شود بی‌اعتمادی، احساسات منفی (تندر، ناامیدی، عدم احساس ابتکار) نسبت به خود و اطراف. تمام این موارد در جامعه‌ی حاشیه ایجاد می‌شود. شما می‌بینید که خلق جامعه حاشیه با خلق جامعه بیرون حاشیه متفاوت است، این خلقت را در همه سنن در نظر بگیرید (از کودک تا بزرگسال). در جامعه بیرون حاشیه شما رفتن به دانشگاه، تحصیل، فعالیت‌های متناسب با سن و شرایط شخصیتی و رشد خود را خلق می‌کنید ولی در جامعه حاشیه خلق و محصول متفاوت است، اعتیاد، عدم امنیت اجتماعی، توزیع مواد مخدر، دستفروشی، آلودگی محیطی و ... همه محصول جامعه حاشیه است. ما برای کار کردن روی بحث اعتماد باید با یک بازآفرینی شروع کنیم.

آقای مهندس پیروانه: من خواهشی دارم خانم مهندس، می‌خواستم ابتدا روی بحث وجود داشتن این جوامع صحبت و بعد به مباحث مختلف ورود پیدا کنیم. آیا این پدیده‌ای است که اگر ما به این محلات ورود پیدا کنیم پایان می‌پذیرد؟ یکی از نقاط ضعفی که وجود دارد این است که ما در فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریتی در سطوح مختلف، هیچ برنامه‌ای برای عدم پیدایش مجدد این جوامع نداریم، درست است؟ این عدم وجود سیاست یا برنامه‌ریزی باعث شده است که محله‌ای سامان یابد، ولی





چند محله نابسامان دیگر ایجاد می‌شود و این موضوع همینطور تسری پیدا می‌کند، موضوع دوم این است که ما هنوز نپذیرفته‌ایم که این قشر قسمتی از جامعه ما هستند که با شکل خاصی زندگی می‌کنند، ما می‌خواهیم همه را با اشل خودمان تطبیق دهیم، در اینجا می‌خواهم توضیحی داشته باشم و آن اینست که این افراد در مجموعه‌ای که دارند زندگی می‌کنند، عموماً دارند راحت زندگی می‌کنند و شما اگر از آنها بخواهید آن جامعه را ترک کنند، آنها این کار را انجام نخواهند داد، چون در آن فضا است که آنها می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند. به عنوان مثال زمانی که ما می‌خواهیم یک طرح جامع برای یک شهر تهیه کنیم نه تنها هرگز یک نقطه را برای این قشر از جامعه شهروان در نظر نمی‌گیریم. بلکه در مرحله اول این نوع از سکونتگاه‌ها را حذف کرده و وجودشان را قبول نداریم! در عین حالی که وجود دارند.

اصولاً برنامه‌ریزی متناسب با این قشر از جامعه وجود ندارد. وقتی فرد در سکونتگاه‌های غیر رسمی مستقر می‌شود به آن فرد سکونت‌گاه‌نشین می‌گوئیم، این فرد وجود دارد ولی در برنامه‌ریزی ما وجود خارجی ندارد، وقتی همان روز اول حداقل تفکیک در طرح جامع ۲۰۰ مترمربع تعیین می‌شود، زیربنای غلطی پی‌ریزی می‌شود بدون اینکه توجه داشته باشیم که آن فرد سکونت‌گاه‌نشین صرفاً قادر به سکونت در ۵۰ مترمربع است. ما باید مقیاس‌های آنها را به عنوان شاخص بپذیریم نه مقیاس‌های سایر نقاط شهر را به آنها تحمیل کنیم.

خانم مهندس واحدی کمال: بله ما می‌خواهیم آنها را بشناسیم تا بتوانیم طبق آن شناخت، برنامه‌ریزی کنیم. برای اینکه بخواهیم بشناسیم و طبق آن برنامه‌ها را لحاظ کنیم باید افتراقات را در نظر بگیریم، باید مصادیقی را که ممکن است مورد پذیرش ما نباشد و چون رشد ما یکی نیست و باید‌ها و نبایدها، ارزش‌گذاری‌ها و قوانین یکی نیست، ما دچار این می‌شویم که طبق آن رشد و قوانین بیابیم برنامه بدهیم و برنامه ما چه بسا دوباره همان اختلاف‌ها را بوجود می‌آورد.

آقای مهندس پیروانه: یک مثال، مثلاً قوانین جاری ما می‌گویند اگر یک نفر مرتکب قتل شد، دادگاه باید حکم تعیین کند و حکم دادگاه هم مشخص است. این جوامع محلی قانون دیگری برای خودشان دارند، این تضاد را چگونه می‌توان حل کرد؟

خانم مهندس واحدی کمال: اجازه بدهید توضیح می‌دهم، ما به جایی رسیدیم که خلق‌ها و محصولات جامعه حاشیه با جامعه معمولی متفاوت است، دقیقاً هم طبق صحبت آقای مهندس المان‌هایی که برای ارتباطی که نتیجه آن اعتمادسازی باشد داریم، به هیچ عنوان قرار نیست آن افراد را شبیه خودمان کنیم، ما قرار است که یک تسهیلتگر باشیم و تسهیلتگری‌مان باید در راستای بسترسازی صحیح و طبق نیاز آن افراد باشد. نیاز آن افراد که به حقوق خود دست پیدا کنند، این نیست که مثلاً وقتی می‌رویم روستای قصر قند بلوچستان و خانواده‌ای دارد در یک کپر در دمای ۵۰-۶۰ درجه (که هیچ کدام از ما قادر به زندگی در چنین شرایطی نیست) زندگی می‌کند، بگوئیم بله به آن شرایط عادت کرده است! ولی وقتی با او صحبت می‌کنید و از آرزوی آن کودک یا مادر می‌پرسید؟ قطعاً به کمبود یا نبود آب اشاره می‌کند. شرایط را پذیرفته ولی به مرور همان نداشتن حقوقش باعث پسرقت آن خانواده می‌شود.

بنابراین بحث دیگر بحث تفاوت محصولات، خلق و نتایج این دو جامعه (جامعه حاشیه و جامعه بیرون از حاشیه) است. بنابراین به یک جمع بندی رسیدیم، دو جامعه را مقایسه کردیم، افتراقات و مسائل دیگر را بررسی کردیم و اینکه نقش تسهیلتگری ما چه المان‌هایی را باید داشته باشد.

آقای مهندس شهوازی: منظور آقای مهندس پیروانه این بود که ما چگونه می‌توانیم پیشگیری کنیم از اینکه در جای دیگر این محلات ایجاد نشود، یعنی بازسازی را با پیشگیری همزمان انجام دهیم.

خانم مهندس واحدی کمال: ما خودمان باید به یک نتیجه مشخص برسیم که چرا باید در جامعه ما حاشیه وجود داشته باشد؟ هر کدام از ما چقدر در آن سهم داریم؟ نگاه و رفتار ما باید چگونه باشد؟ ما هنوز آن افراد را نمی‌شناسیم، علت‌ها را





نمی‌دانیم و حال داریم برنامه‌ریزی می‌کنیم و ممکن است برنامه‌های ما به جای موفقیت با شکست مواجه شود، ما باید جایی از خودمان بپرسیم ما که شهرساز و طراح و جامعه‌شناس هستیم، تمامی افرادی که مصلحین اجتماع بوده‌اند و برای اجتماع خودشان برنامه‌های صحیحی داده‌اند، دقیقاً به این نکته اشاره کرده‌اند و ما هم همین نتیجه را می‌خواهیم پیشنهاد دهیم که شرایط کودکان یک اجتماع و سرمایه‌گذاری بر روی کودکان و بخشی از افراد جامعه محلی که سن و سال کمتری دارند، می‌توانید پایه‌گذاری‌های فرهنگی، آموزشی و برنامه‌ریزی‌های خودتان را ایجاد کنید و به مرور محله را پیش ببرید و گام به گام با خودتان همراه کنید، شاید این سرمایه‌گذاری باید بخش قشر آسیب‌پذیر و بخصوص بحث کودکان باشد. این است که من شهرساز می‌گویم چگونه شهر خود را طراحی کنم که فضا، فضای انسان محوری باشد و علی‌الخصوص کودک محور، چرا که وقتی دقت می‌کنم می‌بینم که اگر این اتفاق نیفتد شما دقیقاً دارید در ناخودآگاه خود حاشیه‌سازی را تلفیق می‌کنید و روی آن کار می‌کنید، یعنی به همان میزان که دارید جامعه، فرهنگ اجتماع، معنویت اجتماع، سیاست‌گذاری‌های اجتماع خود را در دو بعد، هم در صورت و هم در محتوا هدایت می‌کنید. یعنی نگاه من بعنوان یک کاراکتر که به آئین و مذهبی اعتقاد دارم چگونه باشد؟ زاویه و فلش این نگاه نتیجه‌اش این است که من بعنوان یک انسان از نگاه آئینی، مذهبی و معنوی به این نتیجه می‌رسم که برای من شایسته نیست که در اجتماع من، من خود را فاقد مسئولیت ببینم و آن کودک را افغانی، غربتی یا بلوچ ببینم و بگویم ارتباطی به من ندارد! آنجا خود را مورد پرسش قرار می‌دهم که من به چه چیزی اعتقاد دارم؟ اعتقاد من چگونه است که در این اعتقاد این کودک یا فردی که در حاشیه است نسبت به آن بی‌تفاوت هستم یا نسبت به آن دارم اهمیت می‌دهم، هرچند که سد و موانع زیادی را مقابل خود می‌بینم ولی چون پایه اعتقادی و نگاه من این است که من در ساختاری مثلاً شهرداری و یا شهرسازی شروع می‌کنم حرکتی را براساس نگاه خود به عنوان یک انسان مطالعه کرده‌ام، مطالعه جامعه‌شناسی، مذهبی و آئینی کرده‌ام مثلاً مسلمانم. دقیقاً مطالعه کرده‌ام که ریشه مسلمانی من باید این باشد که مثل حضرت محمد (ص) که در روزگار خود حاشیه خود را کشف کرد. می‌بینید که به مسائلی از قبیل زنده به گور کردن دختران، به شرایطی که فرهنگ طبقه‌ای این شده است که کودک خود را دفن کند توجه کرده و با آن مبارزه می‌کند. اکنون نیز ما باید از خودمان بپرسیم که چه عواملی باعث شده است که قشر قابل توجهی از مردم ما شرایط نابسامانی را داشته باشد، منحنی رشدش چیز دیگری شده است، از خودتان بپرسید که شما به عنوان مسلمان در روزگار خودتان امان مسلمانیتان چه باید باشد؟ این از بعد مذهبی و اعتقادی بود. از بعد تخصصی هم باید از خود بپرسیم مثلاً بعنوان یک استاد دانشگاه که تخصص خود را به جوانان منتقل می‌کند، در دانش و تخصصی که دارد بین جوانان تقسیم می‌کند چگونه باید این نگاه را به یک دغدغه‌مندی و مسئولیت‌پذیری و اهمیت را در کورس (course) آموزشی خود لحاظ کند که دانشجویی که به دانشگاه می‌آید تا تحصیل کند صاحب دغدغه، صاحب انگیزه، صاحب فعل جمع‌پذیری، صاحب انرژی و روحیه‌ای باشد که با خود بگوید باید در ساختار اجتماعی جامعه خود دخیل باشد. به میزان اینکه همه افرادی که اینجا هستند در حاشیه رفته‌اند، هرکس دور خودش یک حاشیه کشیده و فقط به دایره خودش می‌اندیشد و از منظر خودش مسائل را می‌بیند، حتی آئین‌ها و اعتقاداتش، همه چیز فردی است. ما در این محلات مسجد بسیار داریم، ما افراد زیادی داریم که اعتقادات مذهبی راسخی دارند و یا از آن طرف ممکن است اعتقادی هم نداشته باشند، ولی می‌گویند این اعتقاد من ربطی به انسان‌ها و شرایط اطرافم ندارد! اگر مطالعه کنید می‌بینید دقیقاً ریشه عقیده‌ای که به آن اعتقاد دارم ما را به جامعه وصل می‌کند و می‌گوید اگر می‌بینید که کودکی در یک شرایط نابسامان است و محله‌ای حداقل‌ها را ندارد، شما دقیقاً همان‌جا باید اعتقادات خود را بازبینی کنید، و همین بازبینی کردن و تغییر نگاه و باور در همان جایگاهی که هستیم نگاه و باور صحیحی به موضوع داشته باشیم، نسبت به موضوع این امان‌ها را در خود و در هر جایگاهی که هستیم نداشته باشیم.





در بخش نوجوانان محکوم به قصاص خانمی در دفتر حمایت از زنان و کودکان کار می‌کند، ایشان در ساختار دولتی و دادگستری است، وقتی این خانم را می‌بینید تمام این‌ها را به صورت مثبت دارد، ایشان می‌گویند من قاضی هستم نقشم هم دفتر حمایت از زنان و کودکان است، در ساختاری هم هستم که شغل من است، ولی قبل از تمام این‌ها من در برابر شرایط این افراد مسئول هستم. چون انسانیت و هستی من به واسطه این سنجیده می‌شود که شاهد تمام این مناطق و ساکنین‌شان هستم، بنابراین تمام این موارد به من ربط دارد. چه بسا مسئولیت‌مان هم بیشتر است چون موقعیتی داریم که به واسطه شغل‌مان مستقیماً با آنها در ارتباط هستیم.

به عنوان یک استاد دانشگاه چگونه می‌توان دانشجو را که ذهن تحلیل‌گر دارد تشویق و ترغیب کرد که منفعل نبوده و نسبت به افراد و محیط پیرامون خود بی‌اهمیت نباشد؟

به میزانی که این نگاه در ما باشد، وقتی به محله ورود پیدا می‌کنیم، این روحیه و منطق شما در قدم اول شما را به سمت و سویی سوق خواهد داد که اگر برنامه‌ریزی می‌کنید و ارتباطی هم می‌خواهید ایجاد کنید ارتباطتان براساس یک فضای اقتداری نباشد، که داریم براساس یک کار روتین می‌آئیم و همیشه این افراد را پائین‌تر و کمتر می‌بینیم، هیچوقت هم واقعیت موجود برایم تفهیم نمی‌شود که این افراد شرایطشان چیست؟ از نقطه نظر خودمان نسخه ندهیم، چون ما اینگونه فکر می‌کنیم حال بیاییم طبق نظر و فکر خودمان برنامه بدهیم.

این نگاه در مقابل نقش تسهیلگری، متضاد آن نقش اقتداری است، این نقش اقتداری همه چیز از نگاه من کارشناس تحلیل می‌شود و باعث می‌شود که شاید در مواردی ما حذفی برخورد کنیم، برنامه‌هایمان برنامه‌هایی نیست که طبق واقعیت موجود باشد و از دل این افتراقات و اشتراکاتی که در این جامعه داریم بتوانیم به برنامه مناسب برسیم.

نقش اقتداری باعث می‌شود که شما یک کار روتین انجام دهید، اینگونه نیست که خود را در ایجاد افعال غلط اجتماعی دخیل بدانی و شروع به اصلاح آن کنی، همه دوستانی که برنامه‌ریز، سیاست‌گذار و... بودند به این نتیجه رسیده‌اند که باید فعالیت و همگرایی را در راستای آگاهی‌سازی جمعی ایجاد کنند، همه جمع را با خود همراه کنیم، یعنی به میزان اینکه یک شهروند و یا فرد عادی آگاه و فعال است در یک جامعه مدنی، برآیند همان فرد می‌شود یک سیاست‌گذار، یک مجری صحیح.

این موارد از این نتیجه می‌گیرند که این افراد با ما متفاوت هستند و علت اینکه این افراد در این شرایط هستند به ما ربطی ندارد! نقش تسهیلگری دقیقاً متضاد با این فضا است، نقش تسهیلگر دقیقاً به این دو فرهنگ واقف است، فرهنگ حاشیه‌ساز را به خوبی در جامعه خود در همه ابعاد، (بعد اجتماعی، بعد آکادمیک، بعد مذهبی، بعد فرهنگ خانواده) و همه جنبه‌ها و ابعاد مطالعه می‌کند و می‌بیند که کسی که مثلاً مفسر، استاد دانشگاه یا پدر یک خانواده است هر کدام یک نکته اشتراک دارند، آن هم این است که همه ما این سه‌المان را با خود همراه داریم. در مساجد هیچوقت صحبت از این نمی‌شود که ما به عنوان یک انسان کسی که اعتقادات خود را مرور می‌کند باید اعتقاداتش بازتابی هم در بیرون داشته باشد، باید معنویتی که تجربه می‌شود بازتاب اجتماعی داشته باشد، چه بسا معنویت امثال ما که مدیران یک مملکت هستیم بیشتر هم باشد و به پرسش نشسته شود.

دانشجوی روانشناسی می‌آمد در محله خاک‌سفید کار می‌کرد، خانم دکتر سارا شریعتی حرف جالبی زدند، تا وقتی که ما از پشت میزهای دانشگاه نظریه می‌دهیم هیچوقت نظریاتمان به درد مردم نمی‌خورد، باید از کف خیابان شروع کرد تا بتوان جامعه را شناخت، من شهرساز باید پاخورم محلات حاشیه باشد، همه‌ی شهر مهم است علی‌الخصوص جایی که حاشیه شهر رفته است، اول از همه ما نباید ترس داشته باشیم، ما نباید گریزان باشیم، ما نباید فاصله داشته باشیم، خاصیت فیلدی که ما کار می‌کنیم می‌طلبد که بیشتر از یک فرد عادی وارد کار شویم.





استاد این دانشجوی روانشناسی به او می‌گفت که برو بالای شهر دفتر خودت را داشته باش و کار کن و درآمد داشته باش، این افراد (مردم حاشیه نشین) اصلاح ناپذیرند و فقط خودت را خسته خواهی کرد!

از همین جاست که تفکر حاشیه افزوده و افزوده می‌شود، بنابراین اولین مرحله در ایجاد اعتماد، دیدن این افراد و فهمیدن آنها است بدون قضاوت، بدون اینکه بگوئیم شما بد هستید و ما خوب هستیم! این جامعه را بدون اینکه تصویر حذفی از آنها در ذهنمان داشته باشیم، باید نسبت به آنها احساس مسئولیت داشته باشیم، باید از خودمان بپرسیم، باید دستی بر کار داشته باشیم و شروع به کار کردن روی این موضوع کنیم. شاید شما دوستان نمونه‌های بهتری داشته باشید که خیلی از برنامه‌های ما فاز مطالعات ندارد، یعنی شمایی که طراح هستید با خودتان بگوئید من مثلاً یک روز بروم در خانه یکی از این افراد بنشینم، خیلی از برنامه‌هایی که داده می‌شود برای این است که ما با این خانواده‌ها از نزدیک مواجه نبوده‌ایم، یا مردی که در یک کپر زندگی می‌کند و کار خود را از دست داده از نزدیک ندیده‌ایم، کودکی را که سر چهارراه کار می‌کند دنبال نکرده‌ایم ببینم کجا زندگی می‌کند، تا وقتی چشم در چشم و شانه به شانه این افراد قرار نگرفته‌ایم، مسلماً هیچ برنامه صحیحی هم برای آنها نخواهیم داشت.

وقتی خانم دکتر شریعتی اولین بار برای دیدن تئاتر بچه‌های دروازه غار آمده بود باور نمی‌کرد و همه دانشجویانش را با خود آورده بود و می‌گفت من تابحال اشتباه فکر می‌کردم.

ما باید از خودمان بپرسیم مسئولین و سیاست‌گذاران ما چند بار وارد این محلات شده‌اند؟ چند بار بدون اینکه نگاه از بالا به پائین داشته باشند بگویند افرادی که در این محلات زندگی می‌کنند شاید خود ما باشیم، چرا الان ما بجای آن افراد نیستیم؟ از خودمان پرسیده‌ایم؟

جالب است وقتی شما با کودکان این محله ارتباط بگیرید در شما انگیزه بیشتری ایجاد می‌شود، پرسش‌های بیشتری در شما ایجاد می‌شود، اینکه از خودمان بپرسیم جامعه ما چگونه باید باشد؟ زیرا المان کودکی یک محله المانی است که شما می‌بیند کودک در آن هیچ دخل و تصرفی ندارد، اتفاقاً کودک مفهوم بکر و خلاق آن جامعه است.

نقش تسهیلگری باید در دو بعد کار بکند، هم بحث درمان و هم بحث پیشگیری. موضوعی که وجود دارد این است که شما در بحث تسهیلگری باید کار کنید یکی محتوایی و دیگری در بعد صورت. اتفاقی که باید بیفتد این است که وقتی ورود پیدا می‌کنید و مرحله مطالعه را انجام می‌دهید، توصیف وضعیت می‌کنید، در دو بعد کار انجام می‌دهید، یکی چالش‌ها را می‌سنجید و دیگری پتانسیل‌ها را. کاری که تسهیلگری مشارکتی می‌تواند انجام دهد این است که ما به هیچ عنوان در برنامه‌ریزی‌هایمان فقط خودمان دخیل نیستیم، ما باید خود افراد محلی را هم شناسایی و دخیل کنیم، جایی شما می‌بیند در محله‌ای هنوز افراد محلی به مرحله‌ای نرسیده‌اند و هنوز آنقدر دانش و انگیزه و امید و باور ایجاد نشده است، در آن محله باید پایلوت‌سازی صورت بگیرد، اما چگونه؟ باید یک تعریف فعالیت، فیلد یا موضوعی داشته باشید که یک امکان جدیدی را برای آن افراد مهیا کند، نه امکان جدیدی که مطابق فرهنگ آن محله یا فضای بومی آن محله نباشد، یعنی مثلاً شما در سیستان و بلوچستان می‌بینید مادری که در فقر دارد از بین می‌رود دارد سوزن دوزی می‌کند، یا وارد محله‌ای می‌شوید می‌بینید که یک پتانسیلی وجود دارد که جامعه محلی‌اش به فعالیتی علاقه‌مند هستند ولی شرایط برایشان مهیا نیست، برنامه‌ریزی که شما انجام می‌دهید این است که باید خلق آن محله تغییر کند، اعتیاد و المان‌های غلط در آن محله وجود دارد، باید آن ویژگی‌ها و نگاه تغییر یافته‌ی خود را با شناخت جدیدی که کسب کرده‌اید و علت‌یابی‌هایی که کرده‌اید در دو بعد کار شود، یکی در بعد جزء و دیگری بعد کلی، در بعد جزئی می‌خواهیم با جامعه محلی ارتباطی را صورت دهیم، کاری که باید انجام شود نیاز به یک بستر دارد، بسترسازی جدید، این بسترسازی جدید یک فضای خلق مجدد است، محصول جدید باید در محله الگوسازی و پایلوت‌سازی شود، بعضی





دوستان اشاره‌های خوبی کردند که مثلاً در این محله همه با هم فامیل هستند و به هم نزدیک هستند، یکی از برنامه‌هایی که برای توانمندسازی و تغییر بافت ناکارآمد شهری انجام می‌دهیم این است یک الگوسازی در محله داشته باشیم، این الگوسازی شامل این است که ما چند نفر از این افراد را درگیر کنیم فضا و شرایطی را مهیا کنیم که با خود آن افراد تصمیم‌گیری‌ها صورت بگیرد، برای روحیه و صورت محله یک گزینه جدید تعریف کنیم، مثلاً دروازه غار را مثال می‌زنیم کاری که جمعیت امام علی (ع) انجام داد، اولاً دخیلان مختلفی را درگیر کردیم، سازمان‌های مردم‌نهاد، جامعه‌های مدنی، دانشجویان، گروه‌های متخصص حتی گروه‌های مردمی که خارج از محله هستند هر کدام یک فاز مشخصی را دنبال کنند.

برای اینکه بتوانیم وارد محله شویم و اعتماد ساکنین را جلب کنیم دیدیم از یک طرف جامعه در خودش فرو رفته است، آئین هفت‌سین برگزار می‌شود ولی دروازه غار آئین هفت‌سین ندارد، کودک باید برود حاجی فیروز شود! جمعیت امام علی (ع) در دو فاز کار می‌کند، یکی فاز اطلاع‌رسانی و مشارکت و اعتمادسازی در محله‌ای است که یکسری طرح‌ها دارد (جدول شماره ۲-۶) و (جدول شماره ۲-۷)، طرح‌هایی که با آئین‌های ملی- مذهبی جامعه همراه است یعنی وقتی که ما در خانه خود سفره هفت-سین، آئین شب یلدا، آئین عاشورا و تاسوعا و شب قدر و ... برگزار می‌کنیم (تصویر شماره ۲-۳)، برای این‌ها یک طراحی اتفاق افتاده است که ما که در جامعه هستیم، مثلاً بگوئیم خوب شب قدر است و می‌توانیم یک کیسه مواد غذایی برای محله دروازه غار ببریم. نه به خاطر یک نفع شخصی، بلکه در راستای این است که شما وارد این محله شوید، محله را از نزدیک ببینید، آدم‌ها را آنجا را ببینید، شما نمی‌توانید به مردم فراخوان بدهید بگوئید بیا بیاید به محله، باید یک کار آئینی انجام دهید وقتی آدم‌ها به آن محله رفت و آمد کردند، در حین اجرای طرح ما با کودکان ارتباط برقرار کردیم، به خانه‌ها وارد شدیم، شرایط از نزدیک دیده شد، همه مکتوب و مستند شد، همه تبدیل به نمودار و آمار شد، تحلیل شد. مثلاً در این محله چند درصد مهاجر است؟ چند درصد ایرانی وجود دارد؟، آیا شناسنامه دارند یا خیر؟، مدرسه می‌روند یا خیر؟، پتانسیل‌های منطقه چیست؟، امکان ایجاد شغل و درآمد چگونه می‌تواند در این محله اتفاق بیفتد؟، ناهنجاری‌های غالب چیست؟ و علت این ناهنجاری‌ها چیست؟، همه در نظر گرفته شد و باز هم چاشنی این تحقیق و شناخت و مطالعه این بود که این افراد قرار نیست که حذف شوند، قرار نیست که فقط ساختمان‌ها عوض شود، قرار است که این افراد در این فضاها باشند (جدول شماره ۲-۸).

فعالیت‌های خانه علم (فاز اول)

- ❖ گام اول: حضور و شناخت محله با حضور دانشجویان در محله حدود یک دهه پیش
- ❖ گام دوم: شناسایی و رسیدگی به خانواده‌ها در کنار شناسایی شیوه زندگی در محله، فرهنگ و آداب رفتاری ساکنان، مشکلات عمده بیشتر خانواده‌ها و علل عمده انحطاط تدریجی محله
- ❖ گام سوم: اعلام حضور رسمی جمعیت در محله با طراحی و اجرای آیین‌ها و برنامه‌هایی چون عهدنامه، پیمان عاشقان، برنامه جشن یلدا در کوچه‌های فقر، تجمعی علیه اعتیاد شام عیاران، برنامه جشن هفت سین برکت

جدول شماره ۲-۶- فعالیت‌های خانه علم (جمعیت امام علی (ع)) (فاز اول)





تصویر شماره ۲-۲- اجرای آیین‌ها و برنامه‌هایی چون عهدنامه، پیمان عاشقان، برنامه جشن یلدا در کوچه‌های فقر

فعالیت‌های خانه علم (فاز دوم)

- ❖ گام اول: پژوهش درباره وضعیت کودکان دروازه غار (آمارگیری)
- ❖ گام دوم: برنامه‌های اصلاحی نرم‌افزاری شامل جشن‌های شاد، مسابقات هنری، ورزشی و ... (تصویر شماره ۲-۴)
- ❖ گام سوم: ایجاد سخت افزارهای اصلاحی با فراهم نمودن امکان فعالیت دائمی در محله

جدول شماره ۲-۷- فعالیت‌های خانه علم (جمعیت امام علی (ع)) (فاز دوم)



تصویر شماره ۲-۳- برنامه‌های اصلاحی نرم‌افزاری شامل جشن‌های شاد، مسابقات هنری، ورزشی و ...





نام آیین	حوزه تأثیرگذاری آیین
کوچه گردان عاشق	۱- فقر غذایی
شام عیاران	۲- اعتیاد
هفت سین برکت	۳- برگزاری مراسم سال نو در کنار کودکان محروم
بوی عیدی	۴- برگزاری جشن در کنار کودکان بیمار و معلول
یلدا در کوچه‌های فقر	۵- برگزاری مراسم شب یلدا در کنار خانواده‌های محروم
کعبه کریمان	۶- برآورده کردن آرزوی کودکان دردمند
صفای سعی	۷- حمایت از زنان سرپرست خانوار
فاطمیما	۸- حمایت از دختران در معرض خطر
طفلان مسلم	۹- حمایت از کودکان معارض با قانون
تدریس عشق	۱۰- حمایت تحصیلی از کودکان محروم
مادرانه	۱۱- حمایت از مادران باردار آسیب دیده
هزار بار زندگی	۱۲- گسترش فرهنگ کتابخوانی در محلات محروم
ایران ۱۱۳۰	۱۳- پرسشگری اجتماعی از کاندیدهای ریاست جمهوری
نیایش عاشقان	۱۴- برگزاری نیایش در محلات معضل خیز
اعتکاف در مسجد دل‌های کودکان	۱۵- برگزاری مراسم اعتکاف در کنار کودکان مناطق محروم

جدول شماره ۲-۸- حوزه تأثیرگذاری آیین‌ها در جمعیت امام علی (ع)

جامعه‌ای که در آن برای امام حسین (ع) مراسم برگزار می‌کند چرا باید در آن اعتیاد باشد؟ پانصد دانشجو به آن محله آمدند و حضور داشتند در این مراسم در کنار آنها همه‌ی محلی‌ها هم بودند، محلی‌هایی که می‌دیدند به گونه‌ای دیگر دارند تجربه می‌شوند، یعنی می‌دیدند کسانی به کنارشان آمده‌اند که نگاه کارشناسی بالا به پائین ندارند بلکه کنار آنها نشسته‌اند، با آنها هم کلام شده و گفتگو می‌کنند. نگاهشان این است که تا الان ما بی‌خبر بودیم و نمی‌دانستیم که چنین فضایی وجود دارد، در همین فضا (فاز دوم) آیین به ما کمک کرد که ارتباط برقرار کنیم تا رسید به اینکه ما طرح‌ها را درآوردیم و به این نتیجه رسیدیم که چه جاهای خالی وجود دارد و چه بستریهایی وجود دارد و چه بستریهایی وجود ندارد، برای اینکه بتوانیم هم در بخش کلان و هم در بخش جزء تأثیرگذار باشیم باید الگوسازی کنیم، برای اینکه من کارشناس به مسئول بالادستی خود اثبات کنم که این افراد وجود دارند، حضور دارند، استعدادها و توانائی‌های بالقوه‌ای دارند که جبر شرایط اجازه ابراز به آنها نمی‌دهد باید این فرصت را ایجاد کنم که در همان محله یک پایلوت و الگویی ایجاد شود که آن افراد در یک شرایط بسامانی یک خلق جدید و یک تجربه جدید داشته باشند، این هم البته بستگی به محلات مختلف دارد مثلاً در یک محله‌ای که شما نمی‌توانید سریعاً وارد یک خانواده شوید، اول باید برای کودکان محله طرح دهید.

آقای مهندس پیروانه: خانم مهندس موافق هستید دوستان هم روی کارهایی که انجام داده‌اند المان‌ها و عناصر خودشان را معرفی کنند؟

خانم مهندس واحدی کمال: بفرمائید خیلی هم خوب است.

(گروه محله منبع آب): ما از امنیت محله استفاده کردیم و گروه‌های مردم نهاد را به سه قسمت تقسیم کردیم، کودکان، بانوان و نوجوانان. برای هر گروه برنامه‌هایی داشتیم، برای بانوان چون بیشتر مشارکت را در بین افراد داشتند برنامه‌های خاصی برای آنها داشتیم، یک نمونه‌اش پیاده‌روی بود، دوم بازدید از نمایشگاه خود اشتغالی بود که این خلاقیت در تک‌تکشان ایجاد شد که می‌توانند از نانی که می‌پزند کسب درآمد کنند، ثبت نام در کلاس‌هایی که بتوانند از توانائی‌هایی که دارند استفاده





کنند و از آن کسب درآمد کنند، برای کودکان برگزاری مسابقات نقاشی و حتی شرکت کردن در یکسری برنامه‌های تفریحی دیگر، برای نوجوانان هم برای اینکه با معضلات محله خود آشنا شوند مسابقه عکاسی ترتیب دادیم که بتوانند هر جا که هستند و با هر مشکلی که در محله روبرو هستند عکس بگیرند و برای ما بفرستند و اینکه یکسری طرح‌های تشویقی برای آنها در نظر گرفته شد.

آقای مهندس ثابت قدم: دیدگاهی که در منبع آب دنبال می‌شود این است که طرح‌های ما حالت مسکن نداشته باشد، یکسری کارها هست که در حوزه‌های اجتماعی در محلات تحت عناوین مختلف انجام می‌شود، کاری که ما انجام می‌دهیم این است که این فعالیت‌ها به صورت مسکن نباشند، احیای سکونتگاه غیررسمی قبلاً فقط کالبدی بود ولی الان می‌دانیم که احیاء و بازآفرینی باید در اتمام ابعاد دیده شود و به آن پرداخته شود، اول دید ما باید این باشد که بتوانیم سرمایه‌گذار را به آنجا بیاوریم، حتی با استفاده از همان خرده‌فرهنگی که وجود دارد از یک فضای روستایی به شهر مهاجرت کرده‌اند و دیدند که جای آنها در شهر نیست در منبع آب یک زمین خالی وجود دارد آن را بسازیم، نه شهرداری نظارت می‌کند نه راه و شهرسازی طرح و برنامه‌ای می‌دهد، این اتفاق در منطقه منبع آب حقیقتاً رخ داده است. مشارکت در زمینه ایجاد حاشیه‌نشینی بسیار عالی بوده است! نقشه پارسال را نسبت به الان نگاه کنیم می‌بینیم که هزار پلاک اضافه شده است!

آقای مهندس عبائی باقری (گروه بهبهان): ما برای این موضوع دو منطقه را مورد بررسی قرار دادیم. در اتوبان آیت الله بهبهانی شهر بهبهان این حرکت بلدوزری ایجاد شد که در نهایت منجر به استقرار دفتر تسهیلگری شده است، گزینه دیگر ما کوره جغور است که یک سکونتگاه غیررسمی است و یکسری مسائل و مشکلات متفاوت‌تری نسبت به سایر مناطق دارد، در آنجا هیچگونه اقدامی صورت نگرفته است، فقط یک بررسی کلی صورت گرفته است، تجربه‌ای که در بهبهان داریم فعلاً در حد استقرار دفتر تسهیلگری است.

آقای مهندس نورانی (گروه رامهرمز): شما در مرحله شناخت اشاره کردید به بحث تحلیل محتوا. من اعتقاد دارم که بحث ما یک حلقه مفقوده دارد که می‌توان آن را به عنوان یک جریان سوم نامگذاری کرد، یک جریان ناپیدایی که کمتر در مباحث دیگر به آن اشاره شده است، جریان سوم وجود دارد، شما وقتی می‌خواهید مثلاً آب بهداشتی و لوله‌کشی را وارد محله کنید جریانی وجود دارد که مقاومت می‌کند، مثلاً کسی که فروشنده آب تسویه در محله است مقاومت می‌کند، یا وارد کننده داروهای مسکن می‌تواند برای مراکز درمانی و بهداشتی مقاومت کند. شما در مورد کودک کار صحبت می‌کنید، همه ما به علل و معلول اعتقاد داریم، هیچ چیزی اتفاقی نیست قطعاً هر اتفاقی که می‌افتد یک معلولی دارد، کسانی که از کودک کار ذینفع هستند مانع تأسیس مراکز آموزشی می‌شوند، در بحث‌ها خیلی کم به این موارد اشاره شده است. وقتی درباره رفتارهای بلدوزری صحبت می‌کنیم فقط می‌گوئیم این کار اشتباه بود ولی به علت‌ها توجهی نمی‌شود. شما در مورد تابو صحبت کردید، شما وقتی با زبان آکادمیک مثلاً فارسی وارد یک محله‌ای می‌شوید، جریان سوم به زبان محلی می‌گوید که اصلاً اینگونه نیست! در واقع جریان سوم یک کار سیاسی انجام می‌دهد. تجربه‌ای که داریم مثلاً در بحث مقاوم‌سازی روستایی، بنیاد مسکن در ساختن خانه‌های روستایی برای طرح مقاوم‌سازی نفوذ کرده بود، برای ثبت نام کسی مراجعه نمی‌کرد، یکسری افراد بودند که ذینفع بودند و می‌گفتند این بنیاد مسکن نیست بلکه بنیاد برکن است! یعنی نه تنها مسکنی برای شما بنیاد نمی‌کنند بلکه بنیان خانه شما را هم تخریب می‌کنند! این جریان سوم در تحلیل‌ها حتماً باید شناسایی شود، سرچشمه این جریان باید خشکیده شود. این چون تجربه شخصی خودم بوده است لازم دانستم آن را مطرح کنم. نکته دیگر هم که آقای مهندس پیروانه فرمودند این افراد در این محلات راحت‌تر هستند و این باز نشأت گرفته از همین است که این افراد به دلیل نفوذی که دارند به آنها تلقین می‌کنند که این محله برای آنها مناسب است به دلیل هم محله‌ای بودن و یا نفوذی که در محله دارند، یک مورد





دیگر هم که شما اشاره کردید به جامعه قبل از اسلام، آن دوره دوره‌ی جنگ و ستیز بود و نیاز به فرزند ذکور بیشتر احساس می‌شد برای شرکت در جنگ‌ها، همین جریان الان در مورد کودک کار و سایر موارد وجود دارد.

داوطلب بعدی: مهمترین بحثی که اینجا داشتیم این بود که وقتی شناخت نسبت به آن محله حاصل نشود و نگاه‌ها از بالا به پایین متمرکز باشد، هیچ کاری انجام نمی‌شود و نمی‌توانیم نگاه واقع‌بینانه‌ای داشته باشیم و برنامه‌ها همیشه روی کاغذ باقی می‌ماند، یک مسئله‌ی دیگر برچسب گذاری است اینکه از کسی بپرسی کجا سکونت دارید؟ در حاشیه یا خارج از حاشیه؟ خودش بار منفی دارد و ساکنین به این باور می‌رسند که در یک محله سطح پایین دارند زندگی می‌کنند. نقش تسهیلگری که اشاره شد، خلاصه‌ای خدمتتان عرض می‌کنم، بسترسازی طبق نیازهای افراد، اینکه چه کسانی را با چه کسانی می‌خواهیم مقایسه کنیم، وضع موجود که دیده شد، منابعی را هم که جناب آقای مهندس اشاره کردند، انسانی، اقتصادی و ... باید مورد توجه قرار بگیرند، طرح‌هایی که در سکونتگاه غیر رسمی انجام می‌گیرد و در حال انجام است اولین قسمت هویت‌سازی برای آن افراد است، بپذیریم که کجا هستند، در چه مکانی قرار دارند و به کجا می‌خواهند برسند. ما ابتدا باید از تمام لحاظ آنها را توانمند کنیم که از شکل سکونتگاه به شکل مثلاً بافت فرسوده تبدیل شوند، بعد از آن با مشارکت خود اهالی برنامه‌ها را پیش ببریم، در جلد چهارم (جستار کیفیت) کتاب‌هایی که دوستان توزیع کردند مثال خوبی مطرح شده است، فردی وارد محله می‌شود و از او می‌پرسند که اینجا چه کار می‌کند؟ می‌گوید می‌خواهم آش درست کنم! یک دیگ بزرگ می‌آورد و زیر آن را روشن می‌کند، بقیه با او مشارکت می‌کنند و برای او هیزم و رشته و نخود و لوبیا و ... می‌آورند و این مشارکت باعث درگیر شدن تمام اعضای آن محله می‌شود، وقتی آش آماده می‌شود برای همه اهالی محله توزیع می‌شود، این پیام را می‌خواست برساند که مشارکت همه جانبه اهالی تأثیر بسیاری در طرح‌های کاغذی دارند که ما در بالا نشسته‌ایم و طرح می‌دهیم، برنامه ما خوب است ولی طرح‌ها باید بومی سازی شود.

خانم مهندس واحدی: دقیقاً این مشارکت زمانی لحاظ می‌شود که برنامه از دل خود این مردم بیرون بیاید و پتانسیل‌های خود افراد باشد و بحث تسهیلگری ما بیش از همه باید به بحث آموزش، فرهنگ‌سازی و بسترهایی که وجود ندارند بپردازد. مثلاً می‌بینید که در سیستان و بلوچستان مدرسه وجود ندارد در صورتی که اگر مدرسه باشد خیلی از آن خانواده‌ها با اینکه سنت و فرهنگشان در ازدواج در سنین پایین است، خودشان اذعان می‌کردند که اینجا مدرسه وجود ندارد که مثلاً دخترشان را بفرستند.

در محله باید جریان‌سازی صورت بگیرد و وقتی جریان وجود داشته باشد جریان سوم را یا رسوا می‌کند یا گزینه دیگری سر راه شما قرار می‌دهد. بحث کودکان کار را با شما موافق نیستیم، ما تمام جغرافیای کودکان کار کل کشور را درآوردیم، اینکه این بچه‌ها شهر به شهر چه می‌کنند؟ خواستگاهشان کجاست؟ بیش از ۹۰ درصدشان دارای خانواده بودند خانواده‌هایی که به خاطر فقر و اعتیاد، فرزندشان مجبور به کار بود.

مثلاً به سیستان و بلوچستان که رفته بودیم آقای رئیسی که معلم بازنشسته و شاگرد آقای بهمن بیگی بودند که سوادآموزی در عشایر را راه‌اندازی کرد می‌گفتند که من تمام ادارت آموزش و پرورش را پیگیری کردم که عشایر باید سوادآموزی داشته باشند، هیچ کس قبول نمی‌کرد، تفکر آقای بهمن بیگی این بود که این آدم‌ها (عشایر) حقشان است، ایشان دید که در مراتب بالادست و کلان هیچ اتفاقی نمی‌افتد، خودشان شروع به ساختن الگو کردند، دو چادر را در دو روستای عشایری تبدیل به مدرسه کردند شروع به درگیر کردن همه آن آدم‌ها کردند، خود این جریانی که اتفاق افتاد، خود عشایری که جذب شدند و امکانی برای آنها مهیا شد و شروع به دنبال کردن تحصیل کردند، بعد که این الگو به ثمر رسید چند معلم هم با خود همراه کرد، یعنی ۵ معلم به این ساختار آورد، یک الگو درست کرد، خود همین الگو در مقابل ساختار و جریانی که میگفت آموزش





حق این افراد (عشایر) نیست قد علم کرد و ایستاد. یعنی شما با الگوسازی واقعیت جامعه مدنی را مشخص می‌کنید. کاری که در محله دروازه غار صورت گرفت، تمام نوجوان‌های این محله در یک قدمی مصرف مواد مخدر بودند، یک قدمی خشونت بودند، تمام هنجارهای آنها خشونت بود چون هنجار دیگری وجود نداشت.

شما یک الگو مثل فوتبال کنار آنها گذاشتید، شما فرصت بروز و ابراز را برای آنها فراهم کردید، یک هویت جدیدی برای آنها ایجاد کردید، عنوان جدیدی گرفتند که آن عنوان هم از خاصیت و استعداد خودش نشأت گرفته بود بدون اینکه این باور را داشته باشند که این افراد نمی‌توانند یا فرق می‌کنند. وقتی این جریان به ثمر می‌رسد هم در محله ایجاد فرهنگ می‌کند، هم موجب دنبال کردن الگوی شما توسط افرادی می‌شود که از بیرون می‌آیند. یعنی بجای اینکه این بچه‌ها به سمت فرهنگ حاشیه بروند، به سمت فرهنگ مثبت کشیده می‌شوند. همان مدرسه چادری عشایر بعداً تبدیل به دفتر واحد بخش آموزش و پرورش در ساختار کلان و تصویب قانون برای آن شد. بنابر این شما چند المان را باید در نظر بگیرید، برنامه‌های ما باید در این ساختار باشد که آن آدم‌ها شناخته شوند، جامعه محلی بارور شود، در حین باروری، باور آنها هم تغییر پیدا کند و در ادامه رفتار هم تغییر پیدا می‌کند.

کار یک تسهیلگر همگرایی است روح یک محله را باید همگرا کرد، همسر آقای نادر ابراهیمی با یک کار ساده مثل بافتنی، مادرانی را که سر چهار راه‌ها اسفند دود می‌کردند دور هم جمع کرد و از بین آنها یک نفر به نام معصومه خانم را پیدا کرد، ایشان را با کار بافتنی جذب کرد و فعل دیدن را دنبال کرد. نیازی که جامعه مدنی دارد و نقطه قوت یک تسهیلگر است این است که بر دیدن و درک و فهم جامعه محلی در هویت صحیح خودش متمرکز شود یعنی شما فضایی را ایجاد کرده‌اید که باید به آن پرداخته شود.

باید به آن آدم‌ها انگیزه، انرژی و باور داد آنها نیاز دارند که از طرف شما مسئولین، اساتید دانشگاه، کارشناسان و ... مورد توجه قرار بگیرند و حول آن استعداد و توانگری که دارند و با تسهیلگری شما قوت بخشیده شوند، همین به آن محله یک روح و جریان تازه خواهد بخشید.

حاشیه چگونه ساخته شده است؟ در نتیجه طرد شدن ساکنینش. وقتی کسی در محله نقشی را ایجاد کند که منجر به جمع شدن این افراد شود و نقش تأثیرگذاری را ایجاد کند و قدم اول خلق جدید خود را با ساکنین آن محل شروع کند بطوریکه این افراد خودشان موجب انتشار این فعل جدید می‌شوند و اطلاع‌رسانی می‌کنند و جذب افراد دیگر را به دنبال دارد باعث کم-رنگ شدن حاشیه و از بین رفتن آن می‌شود. مثلاً دیدیم که در محله دروازه غار با کودکان شروع کردیم و دیدیم که در آن فضا بستر آموزشی، فرهنگی، هنری و ورزشی وجود نداشت، چیزی که نیاز کودکان و متناسب با منحنی رشدش است، این را بصورت پایلوت اجرا کردیم، اوانل موانع زیاد است خود خانواده‌ها شاید مانع شما باشند ولی نگاه شما، صبوری شما، همراهی و همدلی شما، همه باعث می‌شود که خود جذب کننده باشد، به مرور خود این بچه‌ها بچه‌های دیگر را هم تشویق می‌کنند، یعنی بجای ادبیات کار کردن می‌گویند، من هم می‌توانم به مدرسه بروم؟! می‌شود من را هم ثبت نام کنید؟! می‌شود من هم شناسنامه داشته باشم؟! یا همان نوجوانی که دنبال خشونت بود الان دنبال هویت خود می‌گردد. نگاه گذرا و کمک گذرا نباید نسبت به این افراد داشت، این افراد، افراد توانمند و قادری هستند که پتانسیل بالایی دارند. در همان سیستان و بلوچستان آقای رئیسی پیرمرد ۶۰ ساله ای بود که ما را به تک تک روستاها برد و شروع به ارتباط گرفتن کرد. خودشان اقدام به تسهیلگری کردند، با پتانسیل‌هایی مثل سوزن‌دوزی، حصیربافی و ... شروع به پایلوت‌سازی کردند تا به این جامعه فراخوان داده شود، کاری که یک تسهیلگر باید انجام دهد تمرکز روی این مباحث است، در این جامعه آموزش، توانمندسازی، الگو سازی، جمع‌سازی و همگرایی را تجربه کند که از دل این فعالیت‌ها آسیب‌شناسی صورت می‌گیرد، علت‌ها فهمیده می‌شود،





سیاست‌های غلط دیده می‌شود، فرهنگ و نگاه غلط دیده می‌شود، از آن طرف در این جامعه باید فراخوان داده شود، به این جامعه باید اطلاع داده شود، این محصول باید به این جامعه نشان داده شود، هرچقدر این دو به هم ربط پیدا کنند این افراد بیشتر احساس می‌کنند که با بقیه مردم فرق ندارند و برچسب روی آنها گذاشته نمی‌شود و آنها دیگر غلط اجتماع خود نیستند و ما دقیقاً به این نقطه رسیده‌ایم که اگر واقعاً می‌خواهیم کاری انجام دهیم ساختارهای دولتی و اجرایی ما باید با همکاری سازمان‌های مردم نهاد با همگرایی یکدیگر شروع به فراخوان دادن کنند، من مسئول، قوت پیدا می‌کنم، وقتی پیش رئیس خود می‌روم و می‌خواهم از سیاست‌گذاری صحبت کنم دستم پر است، یک جمعی پشت من است، یک جمعی با من مطالبه می‌کنند، اطلاع صحیح و دیتای صحیحی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی خود دارم.

پانزده سال پیش اگر نوجوانی محکوم به قصاص می‌شد، همان دادگاهی که برای بزرگسالان برگزار می‌شد برای او هم برگزار می‌شد بدون در نظر گرفتن شرایط سنی‌اش! مانند یک بزرگسال با او برخورد می‌شد و چون زیر ۱۸ سال بود ۵-۶ سال در زندان می‌ماند و بعد قصاص می‌شد. این مجازات، تعداد روزهایی که در زندان بوده و شرایطی که بر او گذاشته برای یک نوجوان عادلانه نیست.

ما باید جامعه محلی خود را به جامعه معرفی کنیم، چگونه؟ در شکل یک پسرزانه بسیار بسیار قوی و غنی این افراد، در شکل یک حالت توانمند شده. اگر جامعه محلی خیلی مشکل دارد و خیلی حاشیه شده است شاید بشود الگوهای کوچک کوچک، یا اندک اندک ساخت. این پسرزانه در محتوا و صورت جامعه شما تأثیرگذار است.

خانم مهندس عطاران از کارشناسان شرکت مادر تخصصی عضو جمعیت امام علی (ع) بودند، تحصیل خود را انجام داد حتی در اداره راه و شهرسازی هم کار کردند و همین کار، شهرسازی را با نگاه اجتماعی، انسانی همراه کرد، پروژه‌های جمعیت را تعریف کرد و در ساختار دولتی و اجرایی خود پسرزانه کرد، که می‌شود مثلاً چنین رفتاری در محله داشت، می‌شود فقط نگاه بلدوزری نداشت، می‌شود ساختار خانه‌ها، مراکز و جمع‌هایی را در محله ایجاد کرد که بانوان، کودکان و مردان محله را همگرا و متمرکز کند، بجای مواد مخدر و مصرف مواد مخدر (که هر کدام ضریب سختی‌های خودش را دارد، کودک با یک فرد بزرگسال خیلی فرق دارد) در یک فعل صحیح و مناسب متمرکز شود، تا این روش و رفتار را در شکل دیگری بتوان فراخوان داد و در سطوح مختلف مطالبه کرد.

مثلاً در ساختار یک جامعه مدنی یکسری خدمات باید داده شود، الگوسازی صورت بگیرد تا بتوان از این الگو استفاده کرد، سپس آگاهی دادن و فراخوان دادن به جامعه و ایجاد حرکت و جریان، مرحله بعدی است تا بتوان به یکسری تغییرات بنیادی رسید، بله ممکن است زمان ببرد ولی در ساختار خود راه صحیح و روش صحیح را اجرا می‌کنید. کنار هر گزینه غلط، گزینه صحیح هم هست و هر چقدر بخواهیم گزینه صحیح پایدار و همه‌گیر باشد باید تعداد نفرات مطالبه‌گر این ساختار خیلی زیاد باشد، برای شهرسازی باید یک فرهنگ جدید ایجاد کرد، در محله باید الگوسازی کرد، فراخوان دهید که اساتید و دانشجویان بیایند ببینند، سمینار و جلسه بحث گذاشته شود، هرچقدر این افراد را با خود همراه کنید، سیاست‌گذاری‌های صحیح‌تری اعمال می‌شود. یا از کسی که فعل غلطی انجام می‌دهد پرسش و طرح مسئله صورت می‌گیرد، بنابراین باید این مباحث دنبال شود و همه این موارد نتیجه تمرکز و نگاه متمرکز به انسان‌هایی است که در آن محله زندگی می‌کنند.

به هیچ عنوان برنامه‌ها از پس ذهن خودمان نیستند، فیلد ما با این آدم‌ها متفاوت است و باید از خود آن آدم‌ها تسهیلگری ثانویه ایجاد کنیم که آن هم بتواند فراخوان بدهد و افراد دیگری را هم همراه کند.

آقای مهندس شهوازی: اولاً اینکه فرمایشات شما ستودنی است و هم اینکه نگاه شما انسانی و زیباست، من هم قبول دارم اما یک سؤال پیش می‌آید، ما در عصر ارتباطات و دیجیتال هستیم زمانی که ما وارد این عصر مدرن شدیم یکسری اتفاقات افتاد،





اواخر دوره قاجار ما برای تحصیل، نیرو به خارج اعزام کردیم که پس از بازگشت به کشور دانششان را انتقال دهند، چرا الان این اتفاق نمی‌افتد؟ چرا آن آدم‌ها الان نیستند؟ افرادی مثل آقای بهمن بیگی که فرمودید چرا الان وجود ندارند؟ الان زنان بی‌سرپرست را می‌بینیم، حاشیه‌نشینی که رو به گسترش است را می‌بینیم، ما در این عصر و سیستم هستیم، می‌گوئیم تشویق مشارکت، خیلی هم خوب است، ولی این مشارکت مشکلی ریشه‌ای دارد و علت آن هم ناتوانی سیستم است که مجبور می‌شویم تماماً از مشارکت محلی صحبت کنیم، آن زمان در جامعه سنت‌زده مشارکت هم نبود یکسری المان‌ها ایجاد شد که در پی آن تغییراتی بوجود آمد، ما باید مشارکت خود را به سمت مطالبه‌گری ببریم (جدول شماره ۲-۹).

دلایل بهره‌مندی از مشارکت جوامع محلی

- ❖ شناخت صحیح و کامل جوامع محلی از امکانات و نیازهای محله بعنوان فرصتی ناب در سرعت پروژه
- ❖ ایجاد حس تعلق قوی میان جوامع محلی به نسبت محله خود و نگهداری آن در صورت مشارکت آنان
- ❖ مشارکت جوامع محلی به عنوان بخش اصلی از مسئولیت اجتماعی هر اقدام شهری

جدول شماره ۲-۹- دلایل بهره‌مندی از مشارکت جوامع محلی

خانم مهندس واحدی کمال: بله این دو (مشارکت و مطالبه‌گری) باید توأمان صورت بگیرد.

خانم مهندس معصومی: مردم ما عادت نکرده‌اند که موضوع خود را پیگیری کنند، مثلاً دانش‌آموزی در بافت‌های آسیب دیده شب به خانه می‌آید و در خصوص معلمش صحبت می‌کند هیچ عکس‌العملی از پدر و مادرش نمی‌بیند، چرا؟ یکی به دلیل فقر فرهنگی، دیگری به دلیل مشکلاتی که خودش دارد. ولی مادری که در بافت شهری است خودش به مدرسه فرزندش می‌رود و پیگیر عملکرد فرزند و مسئولین مدرسه خود است. یا وقتی فرزند خود را واکسیناسیون می‌برد دقیقاً پا به پای آن مسئول همکاری می‌کند. گاهی وقت‌ها مراجعه کنندگانی وجود دارد که اطلاعاتشان بیشتر از خود ما است! ولی در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای چنین چیزی وجود ندارد، بنابراین اول باید اطلاع‌رسانی و آموزش در مورد حقوقشان صورت بگیرد و حقوقشان به آنها یادآوری شود.

خانم مهندس واحدی کمال: وقتی کمیته زنان شکل گرفت کمیته‌ای که با نگاه دیگری به معضلات نگاه می‌کرد و نشان می‌داد که این مشکل مشکل بقیه هم هست، یا گروه درمانی می‌کردند که در آن تحلیل و بحث می‌شد، یعنی همان قوه تفکر و حل مسئله را با یک امکان جدید در بین افراد محلی گسترش دادند. همیشه این معضلات ریشه در این دارد که تاریخی از این افراد نادیده گرفته شده است، خانمی که می‌رود و مطالبه می‌کند چون آموزش دیده و اطلاع دارد، وقتی ما از بدو تولدمان این اطلاع را پیدا نکرده‌ایم مشخص است که به همان حداقل‌ها راضی می‌شویم. بنابراین ما در محصول جدید باید اطلاعات را تقسیم کنیم.

خانم مهندس معصومی: در فرهنگ ما همیشه گفته شده که قانع باشید و این را باور کرده‌ایم.

خانم مهندس واحدی کمال: اسفند ماه دو کودک ۷-۸ ساله زباله‌گرد ملک‌آباد در کارگاه بازیافت در اوج انرژی و امید و معصومیت در کارگاه سوختند. بچه‌های جمعیت خیلی سعی کردند پیام این دو کودک به نام‌های احد و صمد را برسانند، حتی نام این دو کودک هم نشانی است برای جامعه، احد و صمد هر دو از اسامی خداوند هستند یعنی معنویت یک جامعه به دلیل بی‌فکری‌ها و بی‌مسئولیتی‌ها می‌سوزد. سیستم از همین اتاق که در آن هستیم شروع می‌شود.

آقای مهندس ثابت قدم: این ذهنیت دور باطل باید از بین برود، عذر می‌خواهم من یکسری مسائل را نمی‌پذیرم، ما تمام قدرت خود را بکار می‌بریم که به مسئولین بگوئیم برای ما مانع نباشید. من در چهار استان به عنوان مدیر دفتر تسهیلگری بودم ولی اولین موانع ما سیستم‌هایی هستند که مسئولیت برگزاری این قضا یا را دارند. وقتی توانستید هزار نفر را جمع کنید و





به آنها آموزش دهید که مطالبات خود را پیگیری کنند مطمئن باشید از این هزار نفر پنج نفر به دنبال مطالبات خود می‌رود، همانطور که الان این اتفاق در دفاتر توسعه می‌افتد، ما هر روز مراجعه کننده داریم. من یک خواهش ساده دارم در این وادی اگر می‌خواهید وارد شوید دنبال نفع اقتصادی نباشید چون در طرح بسامان کردن حاشیه‌نشین‌ها هیچ نفع مادی وجود ندارد این کار فقط یک عشق و علاقه می‌خواهد. اگر مسئولی با این طرح‌ها مخالفتی داشته باشد باید با آن مقتدرانه برخورد کرد.

خانم مهندس واحدی کمال: اگر با طرح و برنامه و نقشه درست پیش برویم خودش گویای خیلی مسائل است و خود محتوا به مرور می‌تواند پله به پله و گام به گام جای خودش را در یک ساختاری که شاید اولش پذیرش ندارد یا ممانعت می‌کند راه خودش را به گونه‌ای باز کند.

ما و شما دوستان اعتقاد داریم که گذشته شهرسازی ما فقط کالبدی و محیطی بود ولی الان درباره‌ی مباحث اجتماعی و جامعه شناسی یک محله صحبت می‌شود.

بنابراین نکات کلیدی که دوباره باید با هم مرور کنیم این است که در این بافت‌ها به فرصت‌ها بیاندیشیم، فرصت‌ها خود این افراد و مردم هستند و زمانی می‌توانیم سیستم‌ها و ساختارهای خشک و غلط را تحت تأثیر قرار دهیم که بتوانیم فرصت‌ها را بولد (Bold) کنیم و حس تعلق جامعه محلی را هم نسبت به حقوقشان و هم نسبت به بافتی که وجود دارد بیدار کنیم. در همان سیستان و بلوچستان گروه به چند روستا رفتند که بصورت پایلوت سرویس بهداشتی بسازند، خود محله‌ای که دیگر باور کرده بود که شرایط باید اینگونه باشد، با کمک افراد بومی توانمند که شناسایی شدند به این پروژه کمک کردند. به میزان اینکه این احساس تعلق را به این جامعه و مردم نشان دهند، خود این احساس تعلق در آن افراد برای ساخت و همراه شدن برای ساخت به نوعی مهیا می‌شود.

و همیشه این را در نظر بگیرید که در برنامه‌ها و ساختمان باید هر دوی این محتوا را در نظر بگیریم، فقط تغییر فضای ساختاری خیلی نمی‌تواند مثمرتر باشد بلکه تفکر و انگیزه و نگاه آن افراد هم توأمان باید در کنار فیزیکی محله تغییر کند. مثلاً اگر کارآفرینی اجتماعی می‌کنیم در کنار آن باید احساس امید، انگیزه، نگاه جدید و توانمندی در آن افراد نیز ایجاد شود، توانمندی یک ویژگی و صفت است که باید در افراد جامعه محلی درونی شود.

به چند مورد برای ارتباط با کودکان اشاره می‌کنم، یکی اینکه برنامه‌های ما در محله گاه به گاه نباشد، استمرار در این محلات است که کار را پیش می‌برد، اینکه شما با پشتکار و بطور مداوم حرکتی را انجام می‌دهید موجب ایجاد حس امید و انگیزه در ساکنین این محلات می‌شود (جدول شماره ۲-۱۰) و (تصویر شماره ۲-۴).

اعتماد از کجا حاصل می‌شود؟ از اینکه برنامه‌ای استمرار داشته باشد، ارتباط ما با این افراد استمرار داشته باشد، مثلاً تیم فوتبالی که در محله تشکیل شده است به مدت ۵-۶ سال با بچه‌های آن محله بطور مداوم در ارتباط بوده است، اگر برای یک یا دو ماه بود و دوباره رها می‌شد مشخص است که هیچ تغییری اتفاق نمی‌افتاد. فعلی که باید در متن برنامه‌های ما باشد فعل «دیده شدن» این افراد است. بزرگترین علتی که در جامعه ما ایجاد حاشیه می‌کند این است که مفهوم اینکه ما همه‌ی انسانها برابر و یکی هستیم گم شده است، من نوعی فقط روی خودم متمرکز هستم و قادر نیستم کس دیگری را ببینم، این مفهوم دیده شدن و فهم شدن باید با یک تجربه فیزیکی اتفاق بیفتد، تجربه فیزیکی که به افراد محلی ثابت کند که دروغ نمی‌گوئیم و آنها قادر به ایجاد تغییر هستند. بنابراین باید یک فضای ساخت ایجاد کرد.





تصویر شماره ۲-۴- نحوه برخورد و رابطه با کودکان

نحوه برخورد و رابطه با کودکان

- ❖ رفتارهای بالغانه، منطقی و صحیح نسبت به رفتارهای مطالبه گرایانه کودک
- ❖ عدم قضاوت
- ❖ عابر نبودن و حضور دائم
- ❖ حضور کودکانی که قبلاً فرآیند اعتمادسازی را گذرانده‌اند.
- ❖ رفتارهای برون گرایانه و انگیزشی
- ❖ دیدن و شنیدن کودک
- ❖ نگاه متقابل به جای نگاه از بالا به پایین
- ❖ عدم القای احساس گناه به کودک
- ❖ اظهار به عجز خود در جهت تغییر او (کودک نباید متوجه شود)
- ❖ صمیمیت
- ❖ گذشت و صبر

جدول شماره ۲-۱۰- نحوه برخورد و رابطه با کودکان

کار و هدفی که در این محلات می‌خواهیم دنبال کنیم یک بازآفرینی است، این بازآفرینی، هم مفهوم معنایی این انسان‌ها است و هم مفهوم فیزیکی و ملموس این جامعه محلی، یعنی به مرور خودشان شروع به تغییر خیلی از المان‌ها می‌کنند و کم‌کم خود آن خانواده و آن محله به مرحله مطالبه‌گری می‌رسند. این بازآفرینی باید توأمان شکل بگیرد، این بازآفرینی ایجاد نمی‌شود تا زمانی که محتوای جامعه حاشیه دیده و فهمیده شود و به آن پرداخته شود و از خود آنها نشانه گرفته شود که به چه سمت و سویی باید رفت (جدول شماره ۲-۱۱) و (جدول شماره ۲-۱۲).

معنای معاصر از رویکرد بازآفرینی شهری

رویکرد و چشم‌اندازی یکپارچه و جامع و در برگیرنده اقداماتی است که منجر به حل مسائل و چالش‌های شهری و خلق فرآیندهایی مستمر و پویا در ارتقاء و تحول اقتصادی، کالبدی- محیطی و اجتماعی در محدوده‌های شهری که با تغییر و دگرگونی مواجه‌اند، می‌شوند.

جدول شماره ۲-۱۱- معنای معاصر از رویکرد بازآفرینی شهری

اهداف کلان بازآفرینی شهری پایدار

۱. تحقق حکمروائی شهری در راستای احیاء و ارتقای انسجام اجتماعی ساکنان محله‌ها و محدوده‌های هدف در برنامه بازآفرینی شهری
۲. کاهش فقر شهری با رویکرد توانمندسازی ساکنان محدوده‌های هدف و پیش‌گیری از باز تولید فقر در این محدوده‌ها
۳. ارتقای هویت و منزلت مکانی و حفاظت از ارزش‌ها در محدوده‌ها و محله‌های هدف
۴. ارتقاء تاب‌آوری شهری، تجهیز و مقاوم‌سازی محدوده‌های هدف در مواجهه با سوانح و بلایا

جدول شماره ۲-۱۲- اهداف کلان بازآفرینی شهری پایدار





آقای مهندس پیروانه: من فکر می‌کنم که خواسته‌ها می‌تواند خیلی گسترده و متفاوت باشد، این مطالبه‌گری باید همگام و همسو با سیستم اداری و نگرش مدیریت شهر ما هم باشد، یعنی فکر می‌کنم حتی قبل از اینکه ساختار محلاتمان را آموزش و اطلاع دهیم باید برگردیم و ساختار مدیریت شهری را آموزش دهیم، از طرف دیگر به توان این سازمان‌ها هم برمی‌گردد، بالاخره این کشور پتانسیل‌هایی دارد و یکی از علل شکل گرفتن این سکونتگاه‌ها عدم توانایی در سطوح مختلف سازمان‌ها است و چون نمی‌توانند به خواسته‌هایشان توجه کنند این اوضاع به وجود می‌آید. اینکه می‌گوئیم مطالبه‌گری می‌تواند شرایط را تغییر دهد در صورتی است که سازمان‌ها توان اجرایی این مطالبات را داشته باشند.

خانم مهندس واحدی کمال: این عدم توانایی به دلیل عدم وجود منابع و یا تخصص‌های مربوطه نیست، ریشه در این دارد که اولویت‌بندی وجود ندارد و سیاست‌های ما غلط است.

آقای مهندس پیروانه: واقعیت این است که شاید توان مالی در آن مقیاس به قدری نباشد که بتوان آن معضلات را برطرف کرد. شما به لحاظ اجتماعی می‌خواهید آنها را توانمند کنید، از نظر کالبدی برای آنها چه باید کرد؟ از نظر اشتغال چه باید کرد؟ اگر همین سکونتگاه‌های غیررسمی اهواز را بخواهیم توانمندسازی کنیم ببینید چه سرمایه عظیمی نیاز است که این تغییرات صورت بگیرد!

خانم مهندس واحدی کمال: آیا این سرمایه عظیم در جامعه ما وجود ندارد؟ عدالتی که در این راستا باید سرمایه را تخصیص بدهد وجود ندارد، اگر همین عدالت در هر مقیاسی خوانده شود، اگر از مقیاس‌های کوچک برای برقراری عدالت شروع کنیم به مقیاس‌های کلان هم خواهیم رسید. ما در کشورمان مشکل مالی نداریم ما مشکل «نگاه»، «اولویت‌بندی» و «تخصیص» داریم. شما جریانی را ایجاد می‌کنید و حتی این جریان و فرهنگ‌سازی صحیح، فیزیک صحیح را با خود به همراه خواهد داشت، قبول دارم این کار کار زمان بری است. ولی برنامه‌های ما باید با بازه‌ی زمانی «کوتاه مدت»، «بلند مدت» و «میان مدت» تعریف شود، ولی با یک مسیر و نقشه صحیح که این افراد در هر سه این زمان‌ها به درستی پرداخته می‌شوند و درست دیده می‌شوند و درست برای آنها تعریف برنامه می‌شود، این نمی‌شود که برنامه‌های «کوتاه مدت»، «بلند مدت» و «میان مدت» نتیجه‌شان زیاد شدن مناطق حاشیه‌ای ما باشد و منجر به افت این افراد شود، پیشرفت‌شان اندک است و سرعت‌شان هم خیلی پایین است ولی می‌دانیم که در یک مسیر سازنده‌ای کار می‌شود. برای بازه‌ی زمانی هم فاز تعریف می‌کنیم، «کوتاه مدت»، «بلند مدت» و «میان مدت».

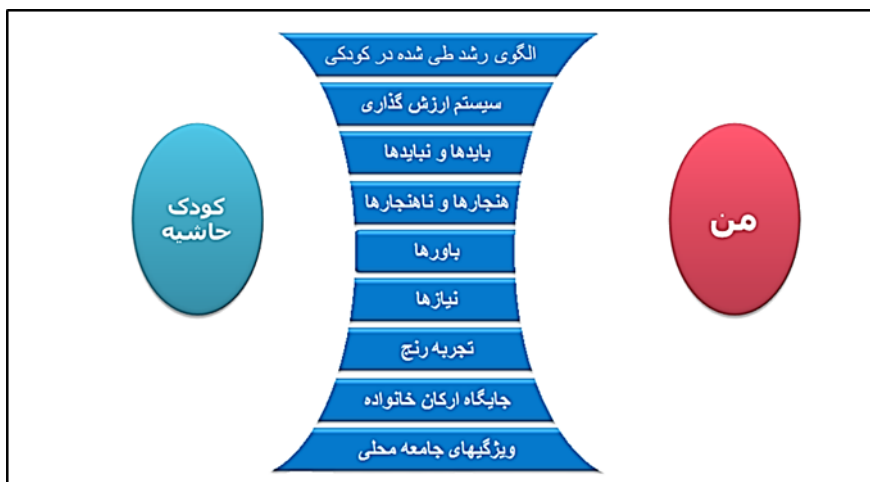
آقای مهندس پیروانه: ما یک جامعه خارج از حاشیه داریم که خود این جامعه هم در حال رشد است و تفاوت بین این دو جامعه همواره می‌تواند وجود داشته باشد. برای این موضوع چه کاری می‌توان انجام داد؟

خانم مهندس واحدی کمال: بله گفتیم کاری که انجام می‌دهیم به هر دوی این جامعه‌ها برمی‌گردد، یعنی در جامعه حاشیه که الگوسازی می‌کنیم، فراخوان و اطلاع می‌دهیم، این رفتار، الگو و نگاه در جامعه خارج از حاشیه هم منتشر می‌شود. اگر مثلاً خانم مهندس معصومی که استاد دانشگاه هستند شروع به تفهیم این مفاهیم به دانشجویانشان کنند این حرکت توأمان هر دو جامعه‌ی حاشیه و خارج از حاشیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دید ما باید در هر دو جامعه کار کند. یک شکل آن بصورت داوطلبانه است، یک شکل آن بصورت دادن آموزش و طرح مسأله به کارشناسان و کارمندان است که با همین نگاه به در خانه این افراد برویم و برنامه مطالعاتی جمع‌آوری و اجرا کنیم. درست است زمان زیادی می‌برد و موانع زیادی وجود دارد ولی در مسیر درستی حرکت می‌کنیم، بیست سال پیش جمعیت امام علی (ع) نمی‌توانست بگوید که کودک کار وجود دارد و به مسئولین بگوید ولی الان خود این مسئولین به این مسائل اذعان دارند. وقتی یک ادبیات و یک تصویر جدیدی را ایجاد می‌کنید خود این افراد را به قیاس و تفکر وادار می‌کنید.





وقتی به این محلات ورود پیدا می‌کنید اطلاعات و دیتایی که جمع‌آوری می‌شود بسیار عمیق است و خود این دیتا و اطلاعات به جامعه سمت و سو می‌دهد که چگونه عمل و تفکر کنند. هرچقدر هم فضای جامعه‌ای کوچک و بی‌مسئولیت و منفی باشد ولی همین اطلاع‌رسانی و فراخوان شما به مرور این فرهنگ را ایجاد خواهد کرد (نمودار شماره ۲-۶).



نمودار شماره ۲-۶- مشارکت جوامع محلی (اعتمادسازی، حضور و ...)

گزینه دیگر بلدوزری عمل کردن و ازدیاد حاشیه‌هاست که عواقب جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت. بنابراین در هر دو جامعه (حاشیه و خارج از حاشیه) باید آموزش داده شود و امید و انگیزه و باور و تعریف، بازآفرینی شوند. آدلر می‌گوید سلامت روان یک انسان مقیاس و معیار چیزی است که در جامعه نقش آفرین است. اگر همین موارد در مدارس، دانشگاه‌ها و خانواده‌ها آموزش داده شود، اولویت‌ها تغییر خواهد کرد، مثلاً تحصیل یک دانشجو باید یک محصول و سهمی در اجتماع داشته باشد، این موجب می‌شود که سلامت روان در مسائل دیگری جستجو شود. سلامت روانی یک شهروند این است که نقش اجتماعی و تلاش اجتماعی داشته باشد، یعنی به میزان تلاشی که برای جمع‌سازی صورت می‌گیرد نشان دهنده‌ی سلامت روانی است و نشان دهنده‌ی این است که معنای انسان بودن را در خود فهمیده‌ایم.

دیدن، فهمیدن، پرسش کردن، دنبال جواب بودن و پیگیری کردن مراحل بازآفرینی است. بالاخره یک نفر از شهروندان جامعه کافی است که پیگیر این قضایا باشد و آسیب‌شناسی کند.

خانم زاهدی یکی از وکلای آنها با مسئولین و قضات صحبت می‌کرد برای اینکه کودکی قصاص نشود! شاید طولانی بودن مسیر و زمان بر بودن آن خیلی‌ها را از ادامه راه منصرف کند ولی همین تلاش‌ها و دانستن اینکه مسیر راه صحیح است حرکت بزرگی است.

در ساختار شهرسازی یکباره طرحی در جامعه‌ی محلی اجرا می‌شود که موفق است چون طرح‌های قبلی ناموفق بوده است این طرح موفق خود را نشان می‌دهد و تمام مخاطبین خود را به قضاوت وادار می‌کند. باید چیدمان‌ها تغییر پیدا کند.

آقای مهندس کاظمی: آقای مهندس ثابت قدم در مورد مدیریت‌ها صحبت کردند، می‌خواهم درباره‌ی سند ملی صحبت کنم که شروع آن موجب تغییر نگاه‌ها شد، یعنی مثل سابق نباشد که طرح جامع و تفصیلی تعریف شود و با نگاه حکومتی اجرا شود. اصولاً هدف از ایجاد دفاتر تسهیلگری این است که آرام آرام وارد محلات شده و از افراد آنجا که حتی می‌توانند تحصیل کرده باشند استفاده کرد و از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به آن محله رسیدگی کرد. ابتدا ضمن مطالعه باید آگاهی بخشی صورت بگیرد در اثر این آگاهی‌بخشی مسئله جریان سومی که آقای مهندس نورانی فرمودند خود به خود حذف می‌-





شود. الان هم مثل سابق نقش بلدوزری در دفاتر تسهیلگری وجود ندارد. در مورد توانمندسازی محلات هم حتماً نباید در محلات کارخانه احداث شود، میتوان کارگاه‌های خانگی راه‌اندازی کرد. اقتصاد جهان هم از کارگاه‌های خانگی شروع شده است. **یکی از شرکت کنندگان:** یکسری محلات در بندر عباس چون بافت سنتی بودند به غلط سازمان‌ها آنها را به عنوان مناطق حاشیه شناسایی کردند در صورتی که بافت فرسوده بود و مشکل خاصی نداشت مثل (محلات امیرآباد، حسین‌آباد، سروش و ...). محله امیرآباد جزو محلات سنی نشین بود ولی از نظر اقتصادی افراد بسیار مرفهی بودند و از نظر بافت شهری در حال به روز شدن بود ولی نمی‌دانم چرا به عنوان حاشیه شهر محسوب شد.

خانم مهندس واحدی کمال: خروج منطقه‌ای از بافت فرسوده یا حاشیه شاید جایی باید با تصمیم خود ساکنینش صورت بگیرد مثلاً در محله سیروس شروع به ساخت و سازهایی کردند که فضایی تخریب می‌شد و فضایی مهیا می‌شد برای معتادین و کارتن خواب‌ها!

یکسری معضلات در آن منطقه ایجاد می‌شود و عواقبش گریبانگیر آن خانواده اصیلی که در آن محله زندگی می‌کنند می‌شود. **آقای مهندس ثابت قدم:** هضم این خرده فرهنگ‌ها هم مسئله مهمی است، ما می‌خواهیم یکسان‌سازی فرهنگی ایجاد کنیم در صورتی که منجر به حذف خرده فرهنگ‌ها می‌شود. وقتی از لحاظ فرهنگی محله‌ای بررسی می‌شود، آنجایی که می‌تواند به کل جامعه تسری پیدا کند باید بولد (Bold) شود و کم‌کم و به مرور زمان آن ناهنجاری‌ها حذف شود. یکسان‌سازی فرهنگی بیشتر ضربه‌زننده و تخریب‌کننده است. خرده فرهنگ‌ها خیلی جاها پتانسیل خیلی بالایی در احیا و نوسازی دارند.

خانم مهندس واحدی کمال: شاید این یکسان‌سازی نیست و یک جور رقابت و حذف یکدیگر است. وقتی تیم فوتبال بچه‌های خونگرم منطقه‌ی سراوان سیستان و بلوچستان به تهران آمده بودند و در مسابقات رسمی شرکت کردند، جالب اینجا بود که بچه‌های محله‌هایی مثل دباغچه آمل و دروازه غار تهران تحت تأثیر توانایی و استعداد بچه‌های سیستان و بلوچستان قرار گرفته بودند، آنها برای اولین بار بود که زمین چمن می‌دیدند و چه بازی از خودشان نشان می‌دادند! و وقتی در بازی برنده می‌شدند به تیم بازنده انرژی می‌دادند، می‌خواهم بگویم اتفاقاً آن تابو و پیش‌زمینه‌های ذهنی غلط اجتماعی که فکر می‌کنند سیستان و بلوچستان مکان ناامنی است و کسی نباید وارد این مناطق شود و ارتباط با آن افراد گرفته نشود باید شکسته شود. در غیر اینصورت آن افراد در فضای فقر مطلق می‌سوزند و در نهایت هم شاید این محرومیت‌ها روی هم انباشته شود و نفرتی در آن منطقه ایجاد شود که خودش منجر به ایجاد حرکت ناهنجار بزرگتری شود، یعنی باید پیش‌بینی این قضیه را هم داشته باشیم، به میزان اینکه از این مناطق فاصله گرفته می‌شود در آینده از همین جامعه حاشیه همان بچه قمر به دست می‌گیرد و به خلاف‌های بزرگتر کشیده می‌شود، دلیل هم دارد و می‌گوید که شما حق من را گرفته‌اید، هیچ‌وقت مرا ندیده‌اید و هیچ‌وقت هیچ گزینه صحیحی برای من نداشتید.

وقتی از نزدیک این مناطق دیده می‌شود دیدگاه خیلی‌ها عوض می‌شود، این افراد در اوج نداری پر از ثروت هستند، ثروت آنها محبت و معرفت و مرامی است که از خودشان نشان می‌دهند. مثالی است که همیشه گفته می‌شود بچه‌های جنوب شهر بچه-های با مرامی هستند، شما یک قدم که برای آنها بردارید آنها صد قدم به سمت شما می‌آیند. اگر بتوانیم به جامعه محلی سمت و سوی مثبت بدهیم خودشان بیشتر کمک خواهند کرد، مگر اینکه بحث مصرف مواد مخدر خیلی ریشه‌دار باشد که باعث می‌شود قضیه سخت‌تر و سخت‌تر شود.

یکی از شرکت کنندگان: یکی اینکه مردم بخش حاشیه نشین به خودشان قبولانده‌اند که ضعیف هستند و باید به آنها آموزش داده شود، دیگر اینکه مردم خارج از حاشیه هم باید آموزش داده شوند که نگاه از بالا به پایین نداشته باشند.





یکی از شرکت کنندگان: من فکر می‌کنم که این تعامل باید بین دولت و مردم ایجاد شود، من خودم برای پایان نامه‌ام به منطقه ملاشیه رفتم، وقتی داشتم فرم برداشت میدانی پر می‌کردم خیلی‌ها حاضر به پر کردن فرم نبودند چرا که می‌گفتند از این فرم‌ها زیاد پر شده ولی عملی صورت نگرفته است و دیگر اعتمادی به وعده‌ها نداشتند، به نظرم ارتباط باید دو سویه باشد، تا اعتمادسازی صورت بگیرد.

خانم مهندس واحدی کمال: موافق هستم که اگر مکانیسمی در محله‌ای آورده می‌شود آموزش آن هم باید صورت بگیرد.

یکی از شرکت کنندگان: البته الان هم شرایط خیلی سفید و سیاه نیست و تقریباً همه‌ی ما اذعان داریم که دوره نگاه از بالا به پایین گذشته است. در حال حاضر افراد تحصیل کرده از دل همین جوامع محلی و حاشیه بیرون می‌آید، همین الان خیلی از اعضای شورای شهر برآمده از همین مردم و همین اقشار جامعه هستند در صورتی که زمانی فکر می‌کردیم همه‌ی ساکنین این محلات بی‌سواد هستند. در حال حاضر مبانی مطالعات باید به روز شود، فصل جدیدی از توانایی‌ها در این محلات شروع شده است، بحث سواد رسانه‌ای و تحصیلات آکادمیک در این جوامع مطرح است، خانواده‌های شرافتمندی وجود دارند که فرش زیر پای خود را فروخته‌اند و هزینه تحصیلی فرزند خود را فراهم کرده‌اند، این موارد دقیقاً نقطه مقابل جریان سومی است که مطرح شده است. بنابراین نگاهمان نباید خیلی سفید یا سیاه باشد یک جریان خاکستری در این محلات وجود دارد که باید متناسب با آن برخورد شود.

خانم مهندس واحدی کمال: در راستای صحبت شما ما این الگو را در جمعیت امام علی (ع) پیش بردیم، نگاهمان این بود که خود این افراد محلی اگر به یک فضایی برسند که کاملاً تصمیم‌ساز و برنامه‌ساز باشند خیلی بیشتر از من و شما می‌توانند مؤثر باشند. مثلاً یکی از دختران محله خاک سفید توانست درس بخواند و رتبه بیست رشته مددکاری در دانشگاه را آورد و خودش طرحتی را در جمعیت دنبال کردند، در دانشگاه برای دانشجویان سخنرانی می‌کردند. یک آقای دانشجوی که برادرش زندان بود و در خانواده نابسامان زندگی می‌کرد توانست ادامه تحصیل دهد، چون واقعاً توانایی‌اش را دارند ولی زمینه برایشان مهیا نیست (جدول شماره ۲-۱۳).

دوستان در اهواز هم جمعیتی تشکیل داده‌اند، هنوز رسمی نیستند ولی بصورت پایلوت دارند کار می‌کنند، در پایان باید بگویم هر چقدر مردم و ساختار رسمی در کنار هم باشند در پیشبرد کارها خیلی می‌توانند مؤثرتر واقع شوند. در پایان ضمن تشکر از حضور شما خواهش می‌کنم نظرتان را راجع به مسائلی که فکر می‌کنید در این کارگاه ارائه گردیده و سازنده بود و به مطالب پیشین شما اضافه شد در دو مفهوم یکی مشارکت جامعه محلی و دیگری بحث اعتماد سازی و کلاً تسهیلگری در هر دو جامعه‌ی حاشیه و خارج از حاشیه روی برگه‌هایی که توزیع شد بنویسید و به من بدهید. مجدداً از مشارکت شما سپاسگذارم، خسته نباشید.

الزامات داوطلبانه مردمی

- ❖ داوطلبان باید در درون محدوده هدف درگیر شوند و درک دقیقی از مسائل آن پیدا کنند.
- ❖ حضور فرد داوطلب صرفاً یکطرفه نیست. باید بده و بستان فیزیکی و معنایی وجود داشته باشد.
- ❖ انگیزه صرفاً خیریه‌ای با ثبات نیست.
- ❖ حضور باید آگاهانه باشد.
- ❖ حضور داوطلب باید با مسئولیت پذیری اجتماعی همراه باشد.
- ❖ در بافت‌های نارکارآمد توجه باید به فرصت این بافت‌ها باشد و نه تهدید.

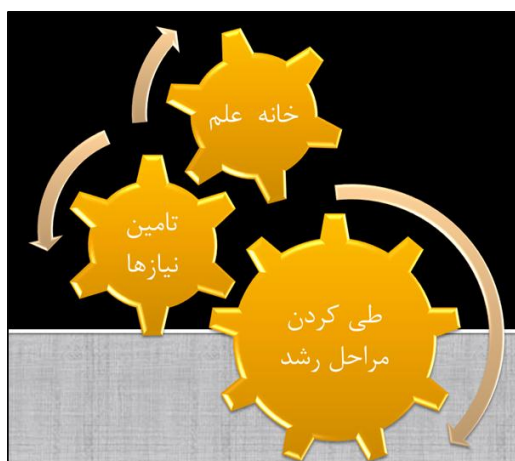
جدول شماره ۲-۱۳- الزامات داوطلبانه مردمی





۲-۶- بررسی نمونه موردی خانه علم دروازه غار (معرفی خانه ایرانی)

- ❖ راه‌اندازی خانه ایرانی محله دروازه غار در سال ۱۳۹۰ و پس از ۱۲ سال فعالیت‌های غذا رسانی و فرهنگی جمعیت در محله
- ❖ حضور دانشجویان و داوطلبان به منظور ارائه خدمات آموزشی، فرهنگی و پزشکی و ... به صورت مستمر و روزانه با برنامه‌ریزی مشخص
- ❖ تحصیل کودکانی که به هر دلیلی محروم از تحصیل شده‌اند (نداشتن شناسنامه، فقر فرهنگی، اعتیاد والدین، نداشتن سرپرست، کار اجباری کودکان، ازدواج زودهنگام اجباری در سنین کودکی و ...) (نمودار شماره ۲-۷)



نمودار شماره ۲-۷- چرخه فعالیت خانه علم

۲-۶-۱- گروه آموزش

فراهم آوردن امکان تحصیل کودکان در خانه علم و سپس ثبت نام آنها در مدارس به همراه واکسیناسیون و تهیه روپوش و لوازم مورد نیاز کودکان

۲-۶-۲- گروه برنامه‌ریزی درسی

برنامه‌ریزی به منظور دستیابی به اهداف (کلاس بندی، انتخاب و تعلیم معلمین)، تهیه کتب و ابزار درسی و کمک درسی، تدوین برنامه چشم‌انداز یکساله آموزشی

۲-۶-۳- گروه مهدکودک

برگزاری کلاس‌های روانشناسی برای نحوه رفتار با کودکان برای مربیان، تحلیل نقاشی‌های کودکان توسط روانشناس و کلاس‌های نقاشی درمانی و بازی درمانی

۲-۶-۴- گروه ثبت نام در مدرسه

پیگیری ثبت نام کودکان در مدرسه و پیگیری وضعیت تحصیلی آنان (ثبت نام ۴۰ کودک)

۲-۶-۵- گروه تحقیق و توسعه

ایجاد بسترهای آموزشی مورد نیاز کادر آموزش، معلمان و دانش آموزان (تصویر شماره ۲-۵).





تصویر شماره ۲-۵- گروه آموزش، برنامه ریزی، مهدکودک و ...

۲-۶-۶- گروه پزشکی

- ✓ ارتقای سطح بهداشت و حفظ سلامت کودکان و خانواده‌های تحت پوشش
- ✓ تلاش در جهت شناسایی پزشکان مجرب و ترغیب به حضور آنها در خانه علم
- ✓ عمده فعالیت‌های تیم پزشکی در دو حوزه بهداشت و تغذیه و حوزه درمان و ارجاعات پزشکی (تصویر شماره ۲-۶).



تصویر شماره ۲-۶- گروه پزشکی

۲-۶-۷- گروه روانشناسی

- ✓ تشکیل پرونده روانپزشکی برای تمام کودکان خانه علم دروازه غار و تقویت ابعاد روانشناسی کودکان به طرق مختلف (تصویر شماره ۲-۷).



تصویر شماره ۲-۷- گروه روانشناسی





۲-۶-۸- گروه ورزش

- ✓ با هدف ایجاد محیطی سالم و شاد جهت تخلیه انرژی منفی کودکان و پرورش احساسات مثبت و خصیصه‌هایی چون همکاری و دوستی
- ✓ استعدادیابی کودکان و ایجاد تیم‌های ورزشی به صورت حرفه‌ای و مستمر از کودکان کار همچون معین، کودک ۱۳ ساله که موفق به مات کردن ۱۰ دانشجوی مدعی دانشگاه صنعتی شریف در دو ساعت شد.
- ✓ دنبال کردن رشته‌های ورزشی انفرادی و جذاب نظیر شنا، شطرنج، ایروبیک و ...
- ✓ تشکیل تیم والیبال دختران دروازه غار از بهمن ۱۳۹۱
- ✓ تشکیل تیم فوتبال پسران محله دروازه غار به نام پرشین با تأمین امکانات مورد نیاز از آذر ۱۳۹۰
- ✓ تمرین فوتبال هفتگی در مجموعه ورزشی هرنندی ایجاد کننده محیطی امن برای بازی و آموزش نظم و ...
- ✓ برگزاری دو بازی دوستانه در اواسط شهریور ماه ۱۳۹۱ (با تیم باشگاهی مقاومت بسیج و تیم فوتبال ساینا)
- ✓ بازی دوستانه تیم پرشین با تیم فوتبال شهدای اوین در نوزدهم تیر ماه ۱۳۹۲
- ✓ شرکت در مسابقات فوتبال محلات شمال شرق تهران (زیر گروه لیگ دو نوجوانان استان تهران) در اوایل مرداد ماه ۱۳۹۲ (نخستین تجربه‌ی بازی رسمی تیم پرشین) در رده‌ی نونهالان (تصویر شماره ۲-۸).



تصویر شماره ۲-۸- گروه ورزش

۲-۶-۹- گروه هنر

- ✓ غرق تشویش‌ها، دغدغه‌ها و ناآرامی‌های درون کودکان در ژرفای هنر با کشیدن خطی، ساختن مجسمه‌ای، دیدن و اجرای تئاتر و ... و شناسایی و پرورش استعداد کودکان
- ✓ تئاتر، نقاشی، مجسمه سازی، سرود و موسیقی، آموزش ساختن زیورآلات، طراحی لباس، نمایش، آموزش چاپ روی کیسه‌ها، انجام دوخت‌های ترکیبی و خلاقانه روی کیسه‌ها، آموزش ساخت پس زمینه و ... (تصویر شماره ۲-۹)



تصویر شماره ۲-۹- گروه هنر





۲-۶-۱۰- گروه حقوقی

- ✓ تلاش برای گرفتن شناسنامه کودکان و موفق به گرفتن ۲۰ شناسنامه تا کنون
- ✓ جمع‌آوری مدارک کودکان فاقد شناسنامه و یا کارت اقامت
- ✓ گروه شناسایی و رسیدگی به خانواده‌های کودکان و تلاش برای رفع مشکلات آنان با استفاده از نیروی مردمی (تصویر شماره ۲-۱۰).



تصویر شماره ۲-۱۰- گروه حقوقی

۲-۶-۱۱- گروه منابع انسانی

- ✓ پذیرش افراد داوطلب و ورود آنها به تیم‌های فعال بر اساس تخصص، مهارت، زمان جهت همکاری و ...
- ✓ اقدام به جذب هدفمند نیروهای مورد نیاز

۲-۶-۱۲- گروه مستندسازی

- ✓ ارائه فعالیت‌ها در شبکه‌های اجتماعی و وب سایت خانه علم
- ✓ تدوین گزارش فصلی (سه ماهه) فعالیت‌های جمعیت امام علی (ع) در محله و گزارش جامع فعالیت‌های امداد رسانی

۲-۶-۱۳- گروه مددکاری

- ✓ مراجعه اعضای گروه شناسایی به منزل کودکان تحت پوشش جهت تکمیل اطلاعات پرونده‌های این کودکان و ثبت شرح حال و کارهای انجام شده برای آنان و امداد رسانی فوری بنابر اولویت
- ✓ برپایی جلسات متوالی برای اعضای جدید تیم، جهت آشنایی با اهداف تیم و برنامه ریزی برای کودکان مددجو
- ✓ سطح بندی معضلات جهت مشخص کردن سطح معضلات هر مددجو

۲-۶-۱۴- گروه مالی

- ✓ مدیریت منابع مالی و تأمین نیازهای کودکان تحت پوشش در دو بخش مدیریت منابع نقدی و غیر نقدی





۲-۶-۱۵- گروه کتابخانه

- ✓ تجهیز کتابخانه به منابع مکتوب متناسب با نیازهای کودکان، نیازسنجی، گردآوری، چینش و به روز سازی کتاب‌ها، برگزاری جلسات کتابخوانی، امانت دهی کتاب‌ها و فراهم سازی بستر نوشتن برای کودکان (تصویر شماره ۲-۱۱).



تصویر شماره ۲-۱۱- گروه کتابخانه

۲-۷- جمع بندی فعالیت‌های خانه علم

✓ تغییرات مثبت در خانواده‌ها:

- ۱- توجه خانواده‌ها به گرفتن شناسنامه (برخلاف گذشته)
- ۲- مراجعه خانواده‌ها برای ثبت نام فرزندان‌شان به خانه علم
- ۳- مراجعه برخی از خانواده‌ها برای ترک اعتیاد خود
- ۴- فعالیت گروه‌ها حاکی از پرورش ابعاد مختلف انسانی کودکان
- ۵- انتقال تغییرات رفتاری و بهداشتی کودکان به خانه‌هایشان و تسکین حدودی وضعیت نابسامان بهداشتی و فرهنگی محله

✓ آموزه‌ها:

فعالیت‌های جمعیت امام علی(ع) در بیش از ۳۰ خانه ایرانی در سرتاسر کشور سه آموزه به ترتیب زیر در پی داشته است:

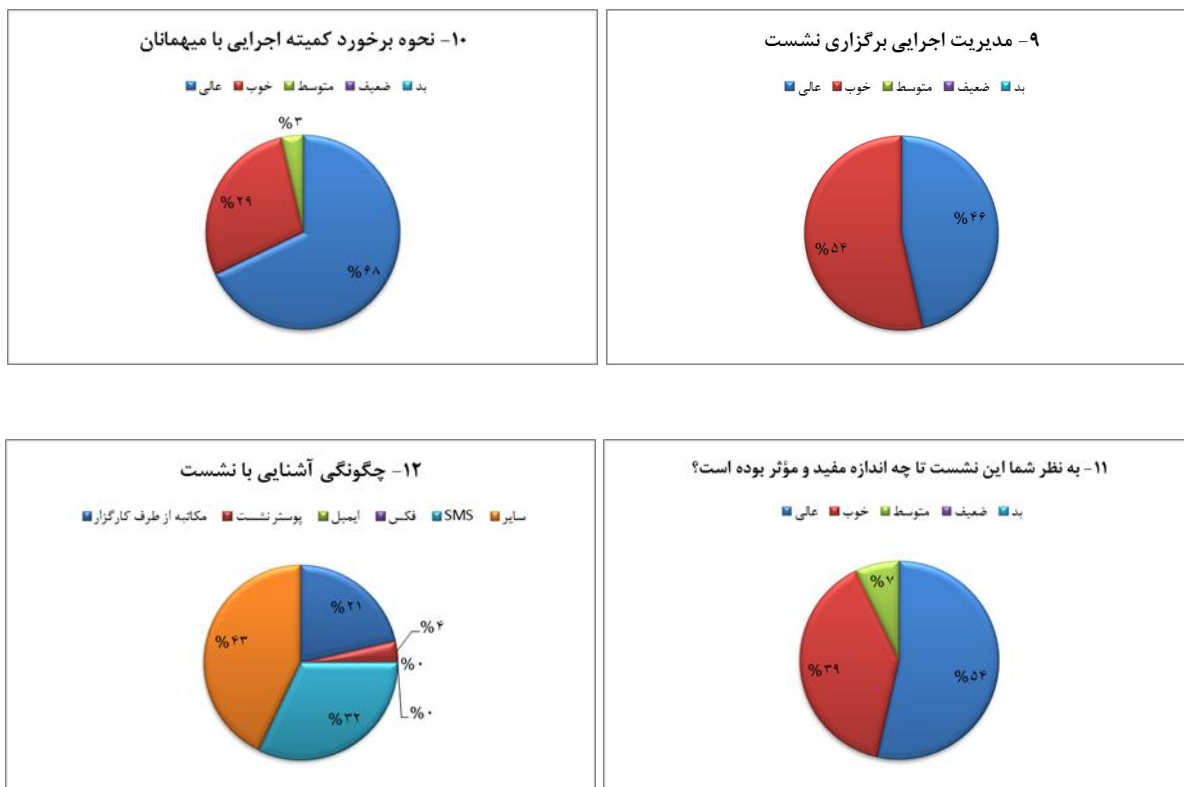
- ۱- تداوم حضور، کلید دستیابی به اعتماد مردم و عنصری حیاتی در دستیابی به اهداف است.
- ۲- توجه به پتانسیل‌های هر مکان و مشکلات زمینه‌ای آن ضروریست.
- ۳- آگاه سازی در سطوح مختلف و در هر عرصه‌ای بعنوان مأموریتی اصلی باید صورت گیرد.





۲-۸- ارزیابی فرم‌های نظرسنجی





نمودار شماره ۲-۸- ارزیابی فرم‌های نظرسنجی





۲-۹- نظرات شرکت‌کنندگان در همایش

۱۳- پیشنهادات و انتقادات خود را جهت هر چه بهتر برگزار شدن برنامه های آتی بیان بفرمائید.
۱- زمان شروع کلاس افزایش یابد (دیرتر شروع شود).
۲- لطفاً به اعضای حاضر در جلسه در جلسات بعدی اطلاع رسانی شود.
۳- اطلاع رسانی به تمامی افراد حاضر در جلسات قبل برای جلسات بعدی (پیام رسانی).
۴- حتی المقدور ضمن اطلاع رسانی به حاضرین در خصوص موضوع مربوطه، اگر شخص یا اشخاصی پاورپوینت یا طرح و برنامه‌ای با موضوعات مربوطه دارند ارائه فرمائید تا از تمام تجارب بهره‌مند گردیم.
۵- استمرار برنامه‌ها و نشست‌های تخصصی قطعاً در پیشبرد اهداف تأثیرگذار خواهد بود.
۱۴- نظر خود را در مورد استمرار نشست‌ها اعلام فرمائید.
۱- برای بالا بردن اطلاعات در موضوعات مختلف استمرار نشست‌ها الزامی است، همچنین از استاد توانمند که مطالب جالبی را در اختیار ما قرار دادند نهایت تشکر را داریم.
۲- امیدوارم این جلسات به صورت مستمر در هر زمینه‌ای انجام شود و راه حل‌ها ارائه شده اجرائی شوند.
۳- بسیار عالی و تأثیرگذار است امیدوارم تداوم یابد.
۴- استمرار نشست‌ها و برگزاری دوره‌های آموزشی بسیار مفید و خروجی با ارزشی خواهد داشت لذا خواهشمند است در صورت امکان برگزاری کلاس‌ها بصورت مستمر ادامه یابد. در پایان از شرکت مهندسین مشاور شهرداری آمایش از برگزاری این جلسات تشکر و قدردانی می‌نمایم.
۵- در جهت فرهنگ‌سازی و کسب اطلاعات اجرایی استمرار این نشست‌ها لازم و ضروری است (با توجه به تخصصی بودن موضوع).
۶- کاملاً موافقم.
۷- با توجه به برگزاری دوره‌ها که به نحو مطلوب برگزار شده است انتظار می‌رود که بصورت مستمر و مداوم نسبت به این دوره‌ها اقدام نمایند. قبلاً از زحمات شما و دست اندرکاران برگزاری این دوره‌ها تقدیر و تشکر می‌گردد.
۸- با توجه به مطالب علمی جدیدی که بصورت آکادمیک مطرح هستند، استمرار نشست‌ها را درخواست دارم. دوم اینکه با توجه به نقش مؤثر اینگونه نشست‌ها در ارتقای علمی دانش آموختگان این رشته پیشنهاد دارم در سطح دانشجویان رشته‌های شهرسازی و معماری شهر اهواز و با ظرفیت‌های بالا این نشست‌ها ادامه یابند.
۹- کاش این نشست‌ها در سطح وسیع‌تری برگزار می‌شد.
۱۰- استمرار دوره‌ها منجر به بالا رفتن دانش کارشناس‌ها می‌شود.
۱۱- استمرار نشست‌ها در جهت آگاه‌سازی دانشجویان و مسئولان و کارشناسان و به روز کردن اطلاعات کار بسیار مفیدی است.
۱۲- امیدوارم که این نشست‌ها ادامه پیدا کند و استفاده‌های زیادی از آن بشود، با تشکر از شما.
۱۳- علاقه‌مند به حضور در جلسات بعدی و استمرار نشست‌ها هستیم.
۱۴- این جلسات و نشست‌ها در پیشبرد هر چه بیشتر اطلاعات سازمانی و مورد نیاز پرسنل ادارات مربوطه تأثیر بسزایی دارد و این دوره‌های آموزشی جهت بهبود کارایی کارکنان در امر ارائه وظایف مطلوب جهت بهسازی و نوسازی حاشیه‌های شهری کاربرد دارند.
۱۵- نشست‌ها بسایر عالی و تأثیرگذار بودند و از نظر شخص بنده استمرار جلسات، نتایج پرتیمی خواهد داشت.
۱۶- ضمن تشکر از برگزارکنندگان محترم برنامه و نشست‌های تخصصی در خصوص مشارکت و ارتقاء سطح علمی و عملی برنامه‌ها حتی المقدور در این خصوص گروه یا کانالی از طریق شبکه‌های اجتماعی تشکیل تا اکثر افراد مرتبط در این امور بتوانند در جلسات بعدی شرکت نمایند.
۱۷- یکطرفه نبودن بحث‌های مورد مطالعه و دخیل بودن میهمانان و به چالش کشیدن آنها در بحث‌های مطرح شده بسیار خوب و تأثیرگذار است.





۲-۱۰- تصاویر همایش



تصویر شماره ۲-۱۲- تصاویر همایش (۱)





تصویر شماره ۲-۱۳- تصاویر همایش (۲)





تصویر شماره ۲-۱۴- تصاویر همایش (۳)





تصویر شماره ۲-۱۵- تصاویر همایش (۴)





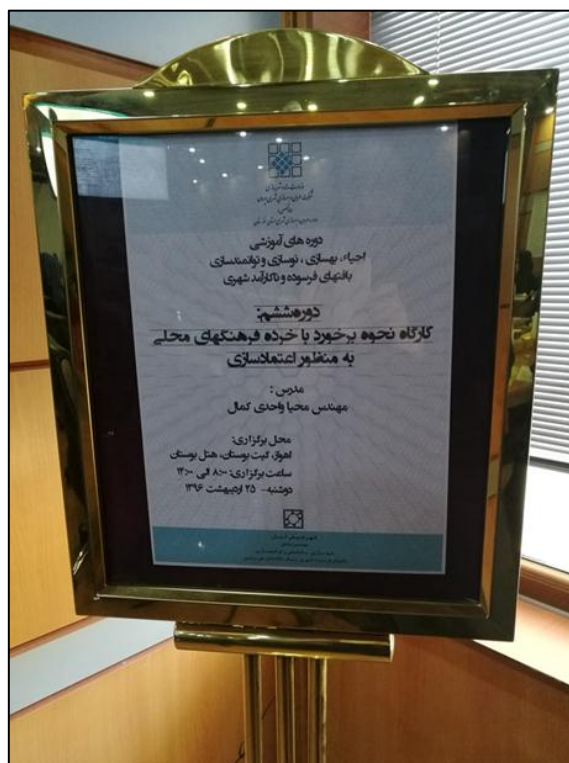
تصویر شماره ۲-۱۶- تصاویر همایش (۵)





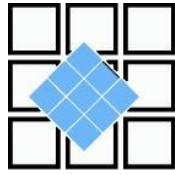
تصویر شماره ۲-۱۷- تصاویر همایش (۶)





تصویر شماره ۲-۱۸- تصاویر همایش (۷)





Urban Development
And
Revitalization Organization working group

The report of Ahvaz
Workshop with a focus on
how to deal with local
subcultures to build trust and
engage in volunteering
activities



Shahr Andish Amayesh
Consulting Engineers

Spring 2017